

بررسی محتوای اطلاعاتی صورتهای مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده نسبت به صورتهای مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده

فاطمه ژولانژاد^۱

وحید بخردی نسب^۲

چکیده:

در دهه‌های اخیر، تنظیم‌کننده‌های موجود در سراسر جهان به صورت وسیعی مقررات تضمینی سخت‌گیرانه‌ای را برای گزارش‌های میاندوره‌ای، وضع نموده‌اند. در بسیاری از کشورها، شرکت‌ها باید صورتهای مالی میاندوره‌ای خود را تحت بررسی حسابرس مستقل قرار دهند. البته شواهد اندکی در خصوص مطلوب بودن تضمین حسابرس برای صورتهای مالی میاندوره‌ای، وجود دارد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی محتوای اطلاعاتی صورتهای مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده نسبت به صورتهای مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده، با توجه به اهداف مندرج در استاندارد شماره ۲۲ با تمرکز بر پر کردن شکاف موجود است و بررسی می‌کند که آیا سرمایه‌گذاران به بررسی صورتهای مالی میاندوره‌ای توجه دارند یا خیر. به این منظور، گزارش‌های مالی میان دوره‌ای ۱۵۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ مطالعه گردید. شواهد نشان می‌دهد ارائه صورتهای مالی میان دوره‌ای که با هدف گزارشگری بهنگام‌تر اطلاعات انجام می‌شود، می‌تواند به شفافیت بیشتر بازار سرمایه منجر شود. به عبارتی با بکارگیری موقعیتی که در آن شرکت‌ها می‌توانند به صورت داوطلبانه صورتهای مالی خود را حسابرسی نمایند، می‌توان دریافت که انتشار صورتهای مالی میاندوره‌ای حسابرسی شده باعث نوسانات غیرعادی بازده سهام و همچنین حجم غیر عادی معاملات بیشتر از حالت انتشار صورتهای مالی میاندوره‌ای حسابرسی نشده، می‌گردد. تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهند که افزایش محتوای اطلاعاتی تا حد زیادی منجر به پدیده علامت‌دهی بازار نسبت به صورتهای مالی حسابرسی شده نسبت به افزایش کیفیت سود می‌شود. همچنین نتایج دیگر پژوهش نشان می‌دهد که صورتهای مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده، به طور متوسط، باعث نوسانات غیرعادی بیشتری در بازده سهام و همچنین حجم غیرعادی معاملات سهام بیشتری از صورتهای مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده، می‌شوند. از طرفی رابطه معکوس بین وجوه نقد عملیاتی صورتهای مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده با ارقام تعهدی اختیاری مشاهده شد که نشان می‌دهد که دخالت حسابرسان مستقل در طول سال مالی می‌تواند سبب افزایش کیفیت سود گردد و همچنین محتوای اطلاعات این صورتهای را بهبود می‌بخشد.

کلمات کلیدی: گزارشگری مالی میان دوره‌ای، محتوای اطلاعاتی، نوسانات غیرعادی بازده سهام، حجم غیرعادی معاملات سهام.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، خوزستان. نویسنده مسئول. پست الکترونیک: jolanejad1022@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، خوزستان.

در عصر حاضر که با انفجار اطلاعات و محدودیت زمانی، شعار تمامی نهادها و سازمان‌ها «اطلاعات سریع‌تر در زمان کمتر» است. گزارش‌های مالی میان دوره‌ای می‌توانند قدمی به سمت عملی‌تر کردن این شعار باشند. در مقایسه بین گزارش‌های مالی سالانه و گزارش‌های میان دوره‌ای، اگرچه گزارش‌های سالانه محتوای اطلاعاتی کامل‌تری دارند، ولی در مقایسه با گزارش‌های میان دوره‌ای به زمان بیشتری برای تهیه و ارائه نیاز دارند. بنابراین گزارش‌های میان دوره‌ای ۳، ۶ و ۹ ماهه اهمیت بیشتری نسبت به گزارش‌های سالانه پیدا کرده‌اند. در سال ۱۳۷۸ برای نخستین بار در ایران هجده رهنمود حسابداری منتشر و لازم الاجرا گردید. در ۱۳۸۰/۱/۱۱ این رهنمودها به استانداردهای حسابداری تغییر نام دادند و ۲۲ استاندارد منتشر و لازم الاجرا گردید. یکی از این استانداردهای حسابداری، استاندارد شماره ۲۲ با عنوان "گزارشگری مالی میان دوره‌ای" می‌باشد که مرتبط با این مقوله است. از طرف دیگر به موجب ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر ماه ۱۳۸۴، ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس موظفند صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده ارائه کنند. این در حالی است که شرکت‌ها تا سال ۱۳۸۹، صورت‌های مالی میان دوره‌ای بررسی اجمالی شده را ارائه می‌کردند که مغایر با قانون و استاندارد مذکور است. به عبارت دیگر ارائه صورت‌های مالی میان دوره‌ای بررسی اجمالی شده از تاریخ تصویب قانون یادشده تا سال ۱۳۸۹، در انطباق با قانون نبوده است. در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۱ مدیریت محترم نظارت بر ناشران اوراق بهادار سازمان بورس و اوراق بهادار طی ابلاغیه شماره ۸۹/ب/۴۴۰/۱۰۱۲، به صورت رسمی اعلام کرد که ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس از این پس موظفند به جای صورت‌های مالی بررسی اجمالی شده، صورت‌های مالی میان دوره‌ای ۶ ماهه حسابرسی شده را به سازمان ارائه کنند. حال این سوال مطرح می‌شود با توجه به الزام انجام حسابرسی صورت‌های مالی میان دوره‌ای به جای بررسی اجمالی آن‌ها، تغییری در محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده صورت پذیرفته است یا خیر. صورت‌های مالی میان دوره‌ای گزارشگری بهنگام تر از وضعیت مالی یک شرکت را به منظور در اختیار قرار دادن اطلاعات مفیدی برای سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان از طریق پیش‌بینی وضعیت مالی آن شرکت فراهم می‌کند (مهدوی و جمالیان پور، ۱۳۸۹). به موقع بودن یکی از خصایص مربوط بودن اطلاعات و به معنای آن است که اطلاعات مالی زمانی در اختیار استفاده‌کنندگان قرار بگیرد که فرصت اتخاذ تصمیم، قضاوت و اقدام نسبت به موضوع مورد نظر برای آنان وجود داشته باشد (پیری، ۱۳۸۹). از طرفی سرمایه‌گذاران نیازمند اطلاعاتی هستند که جدید باشند و هرچه زمان بین پایان سال مالی و افشای اطلاعات بیشتر باشد، ارزش اطلاعات کاسته می‌شود (مک گی و یو، ۲۰۰۸). همچنین به موقع بودن گزارشگری مالی، یکی از ویژگی‌های مهم اطلاعات حسابداری می‌باشد. اطلاعات حسابداری کهنه، در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی

فاقد ارزش هستند (اسوانسه^۱، ۲۰۰۰). بنابراین در صورتی که در یک شرکت ویژگی‌های لازم وجود داشته باشد، انتشار اطلاعات در سایه یک چارچوب منظم به بازار ارائه خواهد شد و یکی از این مشخصه‌ها سود شرکت یا عملکرد شرکت می‌باشد. سرمایه‌گذاران در هنگام اتخاذ تصمیمات مالی به اطلاعات جدید اتکای بیشتری دارند، زیرا معتقدند که اطلاعات گذشته تاثیر خود را بر قیمت سهام گذاشته است. لذا داشتن آن اطلاعات منجر به کسب سود نخواهد شد. پس به نظر می‌رسد که اگر شرکتی عملکرد بهتری داشته باشد اطلاعات خود را با تاخیر کمتری گزارش می‌کند و در نتیجه با شفاف سازی موقعیت خود در بازار سرمایه‌گذاران بیشتری را جذب می‌کند، که در نهایت منجر به سود بیشتر خواهد شد (اعتمادی و یار محمدی، ۱۳۸۲). این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته که آیا سرمایه‌گذاران به صورت‌های مالی میان دوره‌ای چند ماهه حسابرسی شده توجه دارند. به عبارت دیگر بررسی می‌شود که آیا انتشار صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده باعث تغییر در نوسانات غیرعادی بازده سهام و همچنین حجم غیرعادی معاملات (نسبت به انتشار صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده)، می‌گردد یا خیر. حجم معاملات برای سرمایه‌گذاران از اهمیت زیادی برخوردار است و معیاری برای ارزیابی نقدشوندگی سهام می‌باشد و به آن‌ها در اتخاذ تصمیم سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. هرچه حجم معاملات بیشتر شود، سهام شرکت از قابلیت نقدشوندگی بیشتری برخوردار است. سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری‌های خود، تاکید بیشتری بر روی صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده در مقابل صورت‌های مالی میان دوره حسابرسی نشده، دارند (کاجوتر و همکاران^۲، ۲۰۱۶). ویدمان^۳ (۲۰۰۷) بیان می‌کند که صورت‌های مالی میان دوره، یک منبع مهم اطلاعاتی در بازار سهام می‌باشد و واکنش سرمایه‌گذاران به ارائه گزارش حسابرس، یک معیار مناسب به منظور ارزیابی اثر یک حسابرسی می‌باشد. چرا که تایید صورت‌های مالی توسط یک حسابرس مستقل، مکانیزم مهمی به منظور اعتبار بخشیدن به اطلاعات گردآوری شده شرکت‌ها می‌باشد (فرانسیس^۴، ۲۰۱۱؛ نچل و همکاران^۵، ۲۰۱۳). با توجه به پژوهش‌های پیشین، در این پژوهش برای بررسی بهبود محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده، از متغیرهای نوسانات غیرعادی بازده سهام و حجم غیرعادی معاملات استفاده خواهد شد و بررسی می‌شود که آیا رسیدگی حسابرسان مستقل، محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده را بهبود می‌بخشد یا خیر. با توجه به عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهام‌داران، بدون وجود تضمین خارجی، شرکت‌ها دارای مشکلاتی در ارائه‌ی صادقانه و شفاف موقعیت مالی خود هستند. همچنین در دهه‌های اخیر، یک حرکت در جهت مشارکت بیشتر و سخت‌گیرانه‌تر حسابرسان مستقل در آماده‌سازی صورت‌های مالی، ایجاد شده است. معمولاً این حرکت توسط

1. Onusu Ansah
2. Kajuter et al
3. Wiedmann
4. Francis
5. Knechel et al

تنظیم‌کننده‌ها و در پاسخ به رسوایی‌های حسابداری و با الزامات حسابرسی محکم‌تر، صورت گرفته است (دای و ساندر^۱، ۲۰۰۱). اگرچه، مزایای اطمینان از صورت‌های مالی سالیانه در ادبیات بحث (بلكول و همکاران^۲، ۱۹۹۸؛ مینیس^۳، ۲۰۱۱) آمده است، اما از این مفهوم نهایی که آیا تضمین حسابرسی نیز برای صورت‌های مالی، مناسب است، بسیار فاصله دارد.

مقررات متفاوت، نشان‌دهنده‌ی یک اختلاف نظر شدید در خصوص هزینه‌ها و مزایای تضمین حسابرسی در مورد صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای، وجود دارد. شواهد تجربی در این زمینه، اندک هستند. اترج و همکاران^۴ (۲۰۰۰) نشان می‌دهند که شرکت‌های ایالات متحده که بر اساس قوانین قدیمی سازمان بورس آمریکا، یک بررسی به‌موقع را انتخاب می‌کنند، در مقایسه با شرکت‌هایی که بررسی عطف‌به‌ماسبق را انتخاب می‌کنند، تنظیمات سه‌ماهه‌ی چهارم کمتری را نشان می‌دهند. مانری و همکاران^۵ (۲۰۰۳)، بیان می‌دارند که با بررسی‌های به‌موقع به‌جای بررسی‌های عطف‌به‌ماسبق، بازده سهام به‌موقع بیشتری برای سودهای سه‌ماهه در ایالات متحده ایجاد می‌شود. بدران و کورتا^۶ (۲۰۱۵)، تاثیر صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای را بر حق‌الزحمه‌های حسابرسی و کیفیت سود را برای یک نمونه از شرکت‌های کانادایی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند و به یک افزایش در حق‌الزحمه‌های حسابرسی، پی بردند، اما هیچ اثری بر روی کیفیت سود نیافتند. البته مطالعات قبلی، یا به تاثیر زمانی یک بررسی می‌پردازند یا بر روی نتایج غیرمستقیم بررسی‌ها از قبیل کیفیت سود، می‌پردازند. بر خلاف آن، نتایج بررسی‌های بازار سرمایه در قالب واکنش‌های سرمایه‌گذار بر آزادسازی صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. در نتیجه در این پژوهش، بررسی می‌شود که آیا سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود، تاکید بیشتری بر روی صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی شده در مقابل صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی نشده، دارند. انتظار بر این است که واکنش‌های سرمایه‌گذار، یک معیار مناسب به منظور ارزیابی اثر صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی شده می‌باشند و اینکه صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای، یک منبع مهم اطلاعاتی در بازارهای سهام می‌باشند و سرمایه‌گذاران در میان استفاده‌کنندگان اولیه‌ی اطلاعات مالی میان‌دوره‌ای قرار دارند (ویدمان^۷، ۲۰۰۷). یافته‌های این مطالعه به درک نقش تضمین حسابرسی در محتوای گزارش‌های میان‌دوره‌ای، کمک می‌نماید. انتظار بر این است که محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای، می‌تواند تحت تاثیر یک بررسی از دو کانال مختلف باشند. نخست، دخالت حسابرسی در طول کل سال مالی، به ارزش تضمین منجر می‌گردد. ممکن است بررسی‌های میان‌دوره‌ای به منظور جلوگیری از اشتباهات اندازه‌گیری و جلوگیری از

1. Dye & Sunder
2. Blackwell et al
3. Minnis
4. Ettredge et al
5. Manry et al
6. Bédard & Courteau
7. Wiedmann

مدیریت سود، کمک‌دهنده باشند. با توجه به اتکای بیشتر بر تخمین‌ها در مقایسه با صورت‌های مالی میاندوره‌ای حسابرسی نشده، این صورت‌های مالی میاندوره، بویژه متمایل به هر دو موضوع می‌باشند. دوم آنکه، یک بررسی ممکن است به ارزش علامت‌دهی منجر گردد. حتی اگر کیفیت سودهای میاندوره‌ای بهبود نیابد، ممکن است سرمایه‌گذاران انتظار کیفیت بالاتری از اطلاعات را داشته باشند. این اثر، توسط «شکاف مورد انتظار حسابرسی»، اختلاف میان ارزش واقعی و موردانتظار روش‌های حسابرسی مورد استفاده‌ی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، بدتر می‌شود (هامفری و همکاران^۱، ۱۹۹۲). بنابراین، ممکن است سرمایه‌گذاران به منظور اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، بر روی صورت‌های مالی میاندوره‌ای حسابرسی شده، تمرکز بیشتری نمایند، زیرا سرمایه‌گذاران می‌فهمند که آنها قابلیت اطمینان بیشتری دارند. در نهایت با توجه به اهمیت حسابرسی مستقل در کیفیت گزارشگری مالی و ارتباط آن با گزارشگری مالی میان دوره‌ای و همچنین با توجه به اینکه ارقام سود در گزارش‌های میان دوره‌ای جزء لاینفک سود سالانه است (گونی و همکاران^۲، ۲۰۰۸)، سوال اصلی این پژوهش بدین صورت است که آیا سود گزارش شده صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده، محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود گزارش شده صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده دارد یا خیر. ادامه پژوهش دارای ساختار زیر است. بخش بعدی، مروری بر مبانی نظری و توسعه فرضیه پژوهش را ارائه می‌دهد. در بخش بعد، تحقیقات قبلی و پژوهش‌های پیشین بحث و فرضیه‌ی پژوهشی بیان می‌شود. طرح پژوهش در بخش بعد ارائه می‌گردد. سپس، بخش نهایی، نتایج تجربی و آزمون‌ها را ارائه می‌دهد و در نهایت به بررسی نتیجه فرضیه پژوهشی بیان می‌شود.

۲- مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

درک مبانی و ادبیات پژوهش به محقق کمک می‌کند تا درک درستی از موضوع تحقیق و مفاهیم و متغیرهای آن داشته باشد، همچنین پیشینه پژوهش به محقق یاری می‌رساند تا از نظرات محققین گذشته استفاده نموده تا تحقیق جامع تر و بهتری را ارائه دهد. لذا در ادامه به بررسی چارچوب نظری و پیشینه پژوهش پرداخته شده است.

۱-۲- گزارشگری مالی حسابداری و حسابرسی

هدف از حسابرسی صورت‌های مالی این است که حسابرس درباره درستی تهیه و ارائه صورت‌های مالی از کلیه جنبه‌های با اهمیت در انطباق با اصول متداول حسابداری، اظهار نظر کند (نوروش و همکاران، ۱۳۸۵). اظهار نظر حسابرسی با این نوع تامین اطمینان در شکل غیر مطلق، اعتبار صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۳). اما عواملی چون قضاوت، استفاده از نمونه‌گیری در رسیدگی‌ها، محدودیت‌های ذاتی سیستم‌های حسابداری و

1. Humphrey et al

2. Gunny et al

کنترل‌های داخلی موجب این است که دستیابی به اطمینان مطلق در حسابرسی ممکن است نشود. از این رو نیاز به بررسی صورت‌های مالی به صورت دوره‌ای لازم می‌شود.

۲-۲- گزارشگری مالی میان دوره‌ای

صورت‌های مالی میان دوره‌ای گزارشی برای یک دوره میانی است که شامل مجموعه کامل صورت‌های مالی (طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ باعنوان "نحوه ارائه صورت‌های مالی") یا صورت‌های مالی فشرده (طبق این استاندارد) است. دوره میانی، دوره مالی گزارشگری کوتاه‌تر از یک سال مالی است. صورت‌های مالی فشرده حداقل شامل صورت‌های مالی اساسی و گزیده‌ای از یادداشتهای توضیحی مطابق الزامات این استاندارد است. صورت‌های مالی میان دوره‌ای گزارشی بهنگام تر از وضعیت مالی یک شرکت را به منظور برجسته سازی حوادث مهم و در جریان آن شرکت فراهم می‌کنند. گزارش‌های میان دوره‌ای ارائه شده، به منظور در اختیار قرار دادن اطلاعات مفیدی برای سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده کنندگان از طریق پیش‌بینی وضعیت مالی آن شرکت طراحی شده اند (مهدوی و جمالیان پور، ۱۳۸۹). به موقع بودن یکی از خصایص مربوط بودن اطلاعات و به معنای آن است که اطلاعات مالی زمانی در اختیار استفاده کنندگان قرار بگیرد که فرصت اتخاذ تصمیم، قضاوت و اقدام نسبت به موضوع مورد نظر برای آنان وجود داشته باشد (پیری، ۱۳۸۹). از طرفی سرمایه‌گذاران نیازمند اطلاعاتی هستند که جدید باشند و هرچه زمان بین پایان سال مالی و افشای اطلاعات بیشتر باشد، از ارزش اطلاعات کاسته می‌شود (مک گی و یوان، ۲۰۰۸). همچنین به موقع بودن گزارشگری مالی، یکی از ویژگی‌های مهم اطلاعات حسابداری می‌باشد. اطلاعات حسابداری کهنه، در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی فاقد ارزش هستند (اسوانسه، ۲۰۰۰). بنابراین در صورتی که در یک شرکت مشخصه‌ها و ویژگی‌های لازم وجود داشته باشد، انتشار اطلاعات در سایه یک چارچوب منظم به بازار ارائه خواهد شد، یکی از این مشخصه‌ها سود شرکت و عملکرد شرکت می‌باشد. سرمایه‌گذاران در هنگام اتخاذ تصمیمات مالی به اطلاعات جدید اتکای بیشتری دارند، زیرا معتقدند که اطلاعات گذشته تاثیر خود را بر قیمت سهام گذاشته است. لذا داشتن آن اطلاعات منجر به کسب سود نخواهد شد. پس به نظر می‌رسد که اگر شرکتی عملکرد بهتری داشته باشد اطلاعات خود را با تاخیر کمتری گزارش می‌کند و در نتیجه با شفاف سازی موقعیت خود در بازار، سرمایه‌گذاران بیشتری را جذب می‌کند، که در نهایت منجر به سود بیشتر خواهد شد (اعتمادی و یار محمدی، ۱۳۸۲).

۲-۳- الزامات پیرامون گزارشگری مالی میان دوره‌ای

در این بخش به بررسی استانداردهای حسابداری و حسابرسی پیرامون گزارشگری مالی میان دوره‌ای در ایران و قوانین و مقررات موجود در بورس اوراق بهادار پرداخته شده است.

۲-۳-۱- استاندارد حسابداری شماره ۲۲

به موجب استاندارد حسابداری شماره ۲۲ با عنوان گزارشگری مالی میان دوره‌ای، گزارشی برای یک دوره میانی است که شامل مجموعه کامل صورت‌های مالی (طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ با عنوان نحوه ارائه صورت‌های مالی) یا صورت‌های مالی فشرده (شامل صورت‌های مالی اساسی و گزیده‌ای از یادداشت‌های توضیحی مطابق الزامات استاندارد شماره ۲۲) است. هدف از این استاندارد تعیین حداقل محتوای گزارش‌های مالی میان دوره‌ای و تعیین اصول شناخت و اندازه‌گیری قابل اعمال در تهیه صورت‌های مالی کامل یا فشرده میان دوره‌ای است. در این استاندارد الزامات خاصی در رابطه با اینکه کدام واحدهای تجاری ملزم به انتشار گزارش مالی میان دوره‌ای هستند و همچنین زمان تهیه و تناوب این گزارش‌ها تعیین نمی‌شود. معمولاً مراجع قانونی، آن گروه از واحدهای تجاری را که اوراق سهام یا اوراق مشارکت آنها به عموم عرضه می‌شود، ملزم به تهیه و ارائه گزارش مالی میان دوره‌ای می‌کنند. این استاندارد برای کلیه واحدهای تجاری که به صورت اختیاری یا اجباری گزارش مالی میان دوره‌ای منتشر می‌کنند، کاربرد دارد. طبقاً از اندازه‌گیری ارقام درآمد و هزینه در صورت‌های مالی میان دوره‌ای، همچنان براساس مفاد بند ۷ استاندارد ۲۲ صورت خواهد پذیرفت؛ اما با توجه به این که این صورت‌های مالی میان دوره‌ای، مورد حسابرسی قرار می‌گیرند، شرکت‌ها مجاز به ارائه صورت‌های مالی میان دوره‌ای فشرده نبوده و باید مجموعه کامل صورت‌های مالی (همانند صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی سالانه) طبق استاندارد حسابداری شماره ۱ ارائه شود. ضمناً بر اساس بند ۱۶ استاندارد حسابداری شماره ۲۲، عبارت «گزارش مالی میان دوره‌ای» باید در عناوین کلیه صفحات گزارش درج شود (هیأت تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۳).

۲-۳-۲- استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۱۰

استاندارد بررسی اجمالی ۲۴۱۰ به بررسی اجمالی اطلاعات مالی میان دوره‌ای توسط حسابرس مستقل واحد تجاری می‌پردازد. هدف این استاندارد، ارائه استانداردها و راهنمایی‌های لازم در ارتباط با مسئولیت‌های حرفه‌ای حسابرس و شکل و محتوای گزارش حسابرس در مواردی است که بررسی اجمالی اطلاعات مالی میان دوره‌ای صاحبکار حسابرسی را به عهده می‌گیرد. به عبارتی حسابرس باید بررسی اجمالی اطلاعات مالی میان دوره‌ای را طبق الزامات این استاندارد انجام دهد. حسابرس با انجام حسابرسی صورت‌های مالی سالانه، از واحد تجاری و محیط آن، شامل کنترل‌های داخلی، شناختی کافی کسب می‌کند. در مواردی که حسابرس به بررسی اجمالی اطلاعات مالی میان دوره‌ای می‌پردازد، با انجام پرس‌و‌جو در جریان بررسی اجمالی، این شناخت را به روز می‌کند. این امر در تشخیص پرس‌و‌جوهای لازم و تعیین روشهای تحلیلی و سایر روشهای بررسی اجمالی قابل اجرا به حسابرس یاری می‌رساند. چنانچه حسابرس دیگری غیر از حسابرس واحد تجاری برای بررسی اجمالی اطلاعات مالی میان دوره‌ای تعیین شود، بررسی اجمالی را طبق استاندارد ۲۴۰۰ انجام می‌دهد. از آنجا که شناخت این حسابرس از واحد تجاری

و محیط آن، شامل کنترل‌های داخلی، معمولاً به اندازه شناخت حسابرس واحد تجاری نیست، لازم است برای دستیابی به اهداف بررسی اجمالی، پرس و جوها و روش‌های متفاوتی را انجام دهد (هیأت تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸).

۲-۳-۳- دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

علی‌رغم وجود استانداردها جهت ارائه صورت‌های مالی میان دوره‌ای، این مورد توسط بسیاری از شرکت‌های بورسی رعایت نمی‌شود و نشان از نداشتن توجه به الزامات استاندارد و به‌کارگیری آن است. بی‌توجهی به موارد یادشده موجب می‌شود گزارش‌های مالی میان دوره‌ای با تاخیر تهیه و منتشر شود و چنانچه گزارش‌های مالی ظرف مدت معقولی بعد از تاریخ ترازنامه در اختیار استفاده‌کنندگان قرار نگیرد، مفید بودن آن کاهش می‌یابد. ضروری است استانداردهای حرفه به نحو مناسب مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گیرد. تکلیف ناشران بورسی در ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده به موجب ماده ۴۵ قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر ماه ۱۳۸۴ مشخص شد. ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس موظفند صورت‌های مالی میان دوره‌ای ۶ ماهه حسابرسی شده ارائه کنند و ارائه صورت‌های مالی میان دوره‌ای ۶ ماهه بررسی اجمالی شده مغایر با قانون و مستوجب مجازات کیفری است. به عبارت دیگر ارائه صورت‌های مالی میان دوره‌ای بررسی اجمالی شده از تاریخ تصویب قانون یادشده تاکنون، در انطباق با قانون نبوده است (دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۴).

۲-۴- محتوای اطلاعاتی

اطلاعات حسابداری منعکس در صورت‌های مالی اساسی زمانی مفید خواهد بود که قابل اتکا هم باشد و به استفاده‌کنندگان در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری و همچنین بر تصمیمات آنها یاری برساند (واتس^۱، ۲۰۰۳). مربوط بودن یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی است (شرودر و همکاران^۲، ۲۰۰۸). مربوط بدین معنی است که اطلاعات گزارش شده می‌بایست قادر باشد به انتظارات گذشته استفاده‌کننده از وضعیت مالی و عملکرد آتی شرکت کمک کند. مربوط بودن اطلاعات گزارش شده به وسیله ویژگی به موقع بودن تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هر چه از ویژگی به موقع بودن کاسته شود از مفید بودن اطلاعات کاسته می‌شود. بنابراین، یکی از ویژگی‌های اطلاعات که می‌توان آن را به عنوان معیاری برای محتوای اطلاعاتی در نظر گرفت، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی آن است. محتوای اطلاعاتی یک قلم حسابداری به معنای میزان مفید بودن آن قلم در فرآیند تصمیم‌گیری است (نوروش و همکاران، ۱۳۸۳). قدرت پیش‌بینی به عنوان عاملی مهم در فهم و درک علت استفاده از روش‌های مختلف حسابداری محسوب می‌شود (ایجیری و جایدیک^۳، ۱۹۶۶). در این راستا کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶) به

1. Wattes

2. Schroeder et al.

3. Ijiri and Jaedicke

بررسی این موضوع پرداختند که آیا بررسی گزارش مالی میان دوره‌ای توسط حسابرسان مستقل بر محتوای اطلاعاتی آن‌ها تأثیر دارد. کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶) معتقدند که نوسانات غیرعادی (غیرطبیعی) بازده سهام، حجم غیرعادی (غیرطبیعی) معاملات، اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت سود نشان دهنده محتوای اطلاعاتی یک قلم حسابداری می‌باشد. به عقیده کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶) عوامل موثر بر رابطه محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای عبارتند از نوسانات غیرعادی (غیرطبیعی) بازده سهام، حجم غیرعادی (غیرطبیعی) معاملات، اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت سود که در حالت عدم رعایت هر کدام از این موارد، مدیریت از انتشار صورت‌های مالی به صورت فصلی امتناع می‌ورزد. به عبارتی چنانچه سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای، از کیفیت کافی برخوردار نباشد، مدیر تمایلی به بررسی میان دوره‌ای صورت‌های مالی ندارد، یا اگر درصد استفاده شده از اقلام تعهدی اختیاری توسط مدیران بالا باشد، مدیر تمایلی به بررسی میان دوره‌ای صورت‌های مالی ندارد. همچنین کاهش نوسانات غیرعادی بازده سهام و حجم غیرعادی معاملات دو عامل مهم بر عدم تمایل مدیر به بررسی میان دوره‌ای صورت‌های مالی می‌باشد. چرا که نوسانات بازده سهام که از حالت عادی خارج شد و به نوسانات غیر عادی تبدیل شد، حجم عظیمی از سرمایه‌های موجود در شرکت بدلیل ترس از معاملات غیرعادی در شرکت خارج خواهد شد. پس نوسانات غیرعادی بازده سهام، حجم غیرعادی معاملات منجر به فرار سرمایه خواهند شد. با این حساب سرمایه‌گذاران احتمالی، تمایلی به بررسی میان دوره‌ای صورت‌های مالی ندارد.

۲-۵- ارتباط صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده و محتوای اطلاعاتی

حسابرسان مستقل از دو طریق محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نخست، ورود یک حسابرس مستقل در سیستم کنترل داخلی شرکت در طی سال، باعث اعتبار بخشیدن به صورت‌های مالی میان دوره‌ای می‌شود. دوم، اینکه ورود یک حسابرس مستقل باعث محدودیت در هموارسازی سود یا دستکاری سود می‌شود و منجر به علامت دهی اطلاعات با کیفیت توسط حسابرس مستقل به سرمایه‌گذاران می‌گردد. حتی اگر کیفیت صورت‌های مالی میان دوره‌ای بهبود نیابد ممکن است سرمایه‌گذاران فقط انتظار داشته باشند که اطلاعات دارای کیفیت بالاتری باشند (همفری و همکاران، ۱۹۹۲). بنابراین ممکن است سرمایه‌گذاران به منظور اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود، صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده را معتبرتر در نظر بگیرند و ممکن است ارزش بیشتری را برای آنها قائل شوند و سرمایه‌گذاران برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی میان دوره‌ای را ارائه نمی‌دهند، ممکن است بر روی اطلاعات مربوط به گزارش‌های سالیانه حسابرسی تمرکز بیشتری کنند. با توجه به اعتبار بخشیدن و ارزش علامت دهی حسابرسان مستقل به صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده، سرمایه‌گذاران به منظور اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود بر روی صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده اطمینان و اتکای بیشتری دارند (کاجوتر و همکاران، ۲۰۱۶).

۲-۶- حسابرسی داوطلبانه صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای

شرکت‌هایی که تصمیم به بررسی‌های میادوره‌ای صورت‌های می‌گیرند، احساس می‌کنند که با این کار از مزایای افزایشی بالاتری نسبت به هزینه‌های مربوط به بررسی، بهره‌مند می‌شوند. بررسی صورت‌های مالی میان دوره‌ای، باعث هزینه‌های سنگین برای خدمات اضافی انجام‌شده توسط موسسه و سازمان حسابداری می‌شود. همچنین، این خدمات به یک زمان اضافی نیاز دارند. بنابراین، احتمال وقفه‌ی زمانی بین پایان سه‌ماهه‌ی مالی و انتشار واقعی گزارش (تاخیر در گزارش) وجود دارد. این امر، جدول زمانی اطلاعات مالی را کاهش می‌دهد و به همین دلیل، ممکن است سرمایه‌گذاران علامت‌های بدی را از بازار بورس دریافت نمایند (چمبرز و پنمان^۱، ۱۹۸۴). پس اولین منفعت حسابداری میان‌دوره‌ای گزارش‌های مالی و دخالت حسابرس مستقل در یک سال مالی، اختلال در قدرت مانور گزارش مدیریت، می‌گردد. به عنوان مثال، ممکن است حسابرس به مدیریت اجازه ندهد که از ارقام تعهدی به منظور هموارسازی سود در صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای، استفاده نماید.

یکی دیگر از منافع بزرگ بررسی صورت‌های مالی میان دوره‌ای، ارتقای بالقوه‌ی اعتبار اطلاعات مالی موقت می‌باشد که به سمت کاهش هزینه‌های نمایندگی خارجی نیل می‌کند (اترج و همکاران، ۱۹۹۴). مدیران می‌توانند از بررسی‌های داوطلبانه به عنوان نشانه‌هایی از کیفیت مثبت به منظور کاهش نگرانی‌های ناشی از مخالفت، استفاده نمایند. همچنین، دخالت حسابرس در سیستم کنترل داخلی در سال مالی کامل نیز ممکن است منجر به کنترل داخلی بهتر و در نتیجه کاهش درگیری‌های داخلی بین بالاترین سطح مدیریت و مدیریت بهره‌بردار گردد. همچنین، بررسی صورت‌های مالی میان دوره‌ای می‌تواند کیفیت برآوردها و ارقام تعهدی را بهبود بخشد و در نتیجه به ریسک اطلاعاتی کمتری منجر گردد. این امر می‌تواند به کاهش مشکلات از طریق قابلیت اطمینان افزایش‌یافته در صورت‌های مالی، کمک نماید. علاوه بر این، ممکن است که بررسی‌ها در جلوگیری از تجدید ارائه صورت‌های مالی که معمولاً از سوی بازار سرمایه به عنوان نشانه‌های منفی تلقی می‌گردند، کمک‌دهنده باشند (اندسون و یون^۲، ۲۰۰۲). در نهایت، تعامل سازنده‌ی یک حسابرس ممکن است که حق‌الزحمه‌های حسابداری سالیانه را کاهش داده و (بصورت جزئی) حق‌الزحمه‌های مربوط به بررسی اضافه را جبران نماید.

هزینه‌ها و منافع نسبی در شرکت‌ها، متفاوت هستند (اترج و همکاران، ۱۹۹۴). هزینه‌ها تا حد زیادی ناشی از عواملی هستند که بر روی هزینه‌های مستقیم ناشی از حسابداری انجام‌شده توسط شرکت حسابداری، تاثیرگذارند. منافع، به میزان هزینه‌های داخلی و خارجی شرکت و در نتیجه، به بار نظارتی اضافی، بستگی دارند. با افزایش حجم و پیچیدگی فعالیت‌های تجاری شرکت، هزینه‌های مستقیم افزایش می‌یابند. زیرا شرکت حسابداری باید منابع بیشتری را به منظور انجام بررسی، صرف نماید (اترج و همکاران، ۱۹۹۴؛ سیمونیک^۳، ۱۹۸۰). همچنین، هزینه‌های

1. Chambers & Penman

2. Anderson & Yohn

3. Simunic

نمایندگی نیز به صورت تابعی افزایشی از حجم و پیچیدگی یک شرکت، می‌باشند. کتریس پاریبوس بیان می‌دارد که اگر شرکت‌ها بزرگ و پیچیده باشند، سختی بیشتر برای سهم خارجی و بدهی‌داران خارجی به منظور مدیریت، وجود خواهد داشت. به طور مشابه، حجم و پیچیدگی زیاد باعث اختلال در توانایی مدیریت برای انجام نظارت داخلی می‌گردد. بنابراین، بار ناشی از نظارت اضافی در قالب یک بررسی موقت، با هزینه‌های داخلی و خارجی نمایندگی، افزایش می‌یابد که این هزینه‌ها با حجم و پیچیدگی رابطه‌ی مثبت دارند. بنابراین، معلوم نیست که اثر غالب مربوط به هزینه خواهد بود یا سود. علاوه بر این، احتمال دارد که موسسه حسابرسی، زمان اضافه‌ای را در خصوص ارزیابی‌های با ریسک بیشتر، صرف نماید (اترج و همکاران، ۱۹۹۴). اگرچه این بررسی، مستلزم روش‌های کامل حسابرسی برای اینگونه ارزیابی‌ها نیست. اما احتمال دارد که شرکت حسابرسی تلاش بیشتری در خصوص بررسی ارزیابی‌های ریسکی از قبیل مطالبات، فهرست‌های اموال مشهود و نامشهود، اعمال نماید (اترج و همکاران، ۱۹۹۴؛ سیمونیک، ۱۹۸۰). علاوه بر این، انتظار می‌رود که هزینه‌های مستقیم با افزایش ریسک مربوط به مدیریت سودهای بالقوه، افزایش یابد.

هزینه‌های نمایندگی خارجی با قدرت نفوذ و قدرت پرداخت بدهی یک شرکت رابطه دارند (اترج و همکاران، ۱۹۹۴). اغلب طرح‌های پاداش مدیریت، مشوق‌هایی برای مدیران به منظور اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، فراهم می‌آورند که در زمان افزایش ریسک ناشی از عدم پرداخت بدهی، ارزش کیفی را افزایش می‌دهند. قدرت نفوذ بالاتر، ریسک مربوط به دارندگان بعدی را افزایش می‌دهد و در نتیجه، بار مربوط به نظارت اضافی را ایجاد می‌نماید. به همین ترتیب، قدرت مالی داخلی یک شرکت، نیاز به افزایش بدهی یا سرمایه را کاهش می‌دهد و بنابراین، باعث می‌شود که مدیران کمتر در معرض مطالبات سهام و دارندگان بدهی قرار گیرند. بنابراین قدرت مالی داخلی، هزینه‌ی نمایندگی را کاهش داده و تقاضا برای بررسی را کم می‌کند. علاوه بر این، مدیران شرکت‌های سودآور ممکن است در معرض هزینه‌های نمایندگی کمتری قرار گیرند. زیرا ممکن است آنها دارای قدرت مالی داخلی بیشتری باشند. همچنین، آنها در مقایسه با مدیران شرکت‌های بدکار کرد، به صورت بالقوه تحت فشار و موشکافی کمتری قرار دارند. به طور خلاصه، انتظار می‌رود که تصمیم به بررسی، تابعی از هزینه (یعنی، عوامل تعیین‌کننده‌ی هزینه‌ی خدمات بررسی) و سود (یعنی، کاهش مباحث مربوط به هزینه‌های نمایندگی) ناشی از خدمات بررسی می‌باشد. این مطالعه بر این اصل معتقد است که برخی عوامل ممکن است هم هزینه‌ی خدمات بررسی و هم هزینه‌های نمایندگی شرکت را تحت تاثیر قرار دهند. بنابراین، ممکن است رهایی از آن دو مورد، دشوار باشد. البته، این پژوهش مدل کلی تصمیم به بررسی را ارائه می‌دهد. البته پرداختن به عوامل تعیین‌کننده‌ی تصمیم به عنوان الویت این پژوهش نمی‌باشد و تمایز بین هزینه‌ها و منافع، تنها به عنوان یک مبنای نظری برای استخراج عوامل بالقوه‌ی تعیین‌کننده‌ی تصمیم به بررسی، بکار می‌روند.

۲-۷- بررسی محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده

انتظار بر این است که محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای می‌توانند از دو طریق متفاوت، تحت تاثیر یک بررسی قرار گیرند. نخست، ورود یک حسابرس مستقل در سیستم کنترل داخلی شرکت و اطلاعات مالی مربوط به کل سال، اعتبار و قابلیت اطمینان صورت‌های مالی را بهبود می‌بخشد. بر اساس پژوهش منری و همکاران^۱ (۲۰۰۳) ارزش تضمین ناشی از بررسی، بر اساس دو مکانیزم حاصل می‌شود. نخست، نظارت اضافی و کنترل فرایند گزارش‌دهی مالی، ممکن است به جلوگیری از خطاهای اندازه‌گیری غیرعمدی، کمک نماید. این موارد در صورت‌های مالی میان دوره‌ای، بیشتر مشهود هستند؛ زیرا نسبت به صورت‌های مالی سالیانه، به برآورد بیشتری نیاز دارند. به عنوان مثال، هزینه‌های مالیات بر درآمد سه‌ماهه مبتنی بر یک برآورد از متوسط نرخ مالیات بر درآمد سالیانه برای کل سال، می‌باشند. به عنوان مکانیزم دوم برای افزایش ارزش تضمین، انتظار می‌رود که بررسی میان دوره‌ای صورت‌های مالی، مدیریت سودها را محدود نماید. براساس تئوری نمایندگی (جنسن و مکلینگ^۲، ۱۹۷۶؛ لفتویچ و همکاران^۳، ۱۹۸۱؛ واتس و زیمرمن^۴، ۱۹۸۶)، مدیریت به منظور مدیریت کردن سودها، دارای مشوق‌هایی می‌باشد و آنها در صورت عدم ورود حسابرس مستقل در بحث فرایند گزارش‌دهی موقت، فرصت‌های بیشتری برای اجرا دارند (مندن‌هال و نیکولز^۵، ۱۹۸۸). در حالی که طرح‌های پاداش مدیریتی، معمولاً به عملکرد سالیانه گره خورده‌اند، مشوق‌های دیگری وجود دارند که نشان می‌دهند؛ چرا که انتظار می‌رود که مدیران، سودهای میان‌دوره‌ای را مدیریت نمایند. مندال‌هال و نیکولز (۱۹۸۸) نشان می‌دهند که بازارها نسبت به اخبار بد درخصوص صورت‌های میان‌دوره‌ای در مقایسه با اخبار بد درخصوص سه‌ماهه‌ی چهارم، با شدت بیشتری واکنش نشان می‌دهند. این امر، مشوق‌هایی را به منظور جلوگیری از عمومی شدن اخبار بد شرکت‌ها فراهم می‌آورد (بلنکلی و همکاران^۶، ۲۰۱۳؛ ماتسوموتو^۷، ۲۰۰۲). علاوه بر این، مرگنتال و همکاران^۸ (۲۰۱۲) اذعان داشتند که تحقق یا عدم تحقق پیش‌بینی‌های سودها در سه‌ماهه‌های مختلف، می‌تواند تاثیری منفی بر روی چشم‌انداز شغلی آینده‌ی مدیران داشته باشد. همچنین، بارتف و همکاران^۹ (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که تحقق انتظارات مربوط به سودهای سه‌ماهه، منجر به پاداش و جایزه می‌گردد. به طور خلاصه، شواهدی برای بکارگیری مشوق‌های مدیر در زمینه‌ی مدیریت سودهای موقت، وجود دارند. شواهد تجربی نشان می‌دهند که در حقیقت شرکت‌ها، سودهای موقت را مدیریت می‌نمایند

1. Manry et al
2. Jensen & Meckling
3. Leftwich et al
4. Watts & Zimmerman
5. Mendenhall & Nichols
6. Blankley et al
7. Matsumoto
8. Mergenthaler et al
9. Bartov et al

(بارتف و همکاران، ۲۰۰۲؛ داس و همکاران^۱، ۲۰۰۹؛ ژتر و شیواکومار^۲، ۱۹۹۹). بویژه، یافته‌های کمپریکس و همکاران^۳ (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که مدیران از برآوردهای سه‌ماهه‌ی نرخ‌های مالیاتی موثر سالیانه و برآوردهای مربوط به بهای تمام شده کالاهای فروش رفته و همچنین در حال فروش، هزینه‌های عمومی و هزینه‌های اجرایی، به منظور مدیریت سودها، استفاده می‌کنند. علاوه بر این، بلنکلی و همکاران (۲۰۱۳) برخی شواهدی را ارائه نمودند که نشان می‌دهند مدیران به منظور مدیریت سودهای سه‌ماهه در راستای رسیدن به اهداف درآمدی، از هزینه‌های مستمری دوره‌ای استفاده می‌کنند. این تصور که مدیران، احتیاط و بصیرت بیشتری را در خصوص دوره‌های موقت بکار می‌گیرند نیز توسط الیوت و شاو^۴ (۱۹۸۸)، کسانی که اذعان دارند که بیش از ۶۰ درصد از حذفیات در سه‌ماهه‌ی چهارم اتفاق می‌افتد، حمایت شده است. در نهایت، کمیته‌ی روبان آبی که توسط سازمان بورس آمریکا و به منظور فرموله کردن توصیه‌هایی در راستای اصلاحات فرایند گزارش‌دهی مالی، راه‌اندازی شد، تصدیق می‌کند که تسویه حساب‌های سه‌ماهه‌ی چهارم به علت اشتباهات موجود در سه‌ماهه‌های موقت قبلی می‌باشند (گیولی و رانن^۵، ۱۹۸۱). علاوه بر این، آنها توجه داشتند که کیفیت گزارش‌های میان دوره‌ای می‌تواند از طریق دخالت حسابرس‌های مستقل در حساب‌های کل سال، بهبود یابد. بنابراین، انتظار می‌رود که دخالت حسابرس در طی بررسی، توانایی مدیران را برای استفاده از مدیریت سودها از طریق دستکاری حساب‌ها، محدود می‌کند. بدارد و کورتا^۶ (۲۰۱۵)، این پیش‌بینی را به صورت تجربی و با استفاده از یک نمونه از شرکت‌های کانادایی، آزمایش نمودند. البته، آنها شواهدی دال بر وجود ارزش تضمین ناشی از بررسی‌های میان‌دوره‌ای، نمی‌یابند.

علاوه بر ارزش تضمین، ممکن است یک بررسی به علامت‌دهی منجر گردد. ممکن است تضمین خارجی توسط یک حسابرس، به عنوان یک علامت کیفیت توسط سرمایه‌گذاران، دریافت گردد. حتی اگر کیفیت سودهای میان‌دوره‌ای، مستقیماً موجب بهبود نگردد، ممکن است سرمایه‌گذاران فقط انتظار داشته باشند که اطلاعات دارای کیفیت بالاتری باشند. "شکاف انتظار حسابرس" (همفیری و همکاران، ۱۹۹۲)، این اثر را بدتر می‌کند. استفاده کنندگان صورت‌های مالی، اغلب دارای انتظارات غیر واقعی هستند که نمی‌توانند توسط ماهیت احتمالاتی حسابرسی تامین شوند (گی و همکاران^۶، ۱۹۹۸). علاوه بر این، بررسی‌ها، حتی یک سطح پایین‌تری از تضمین را نسبت به حسابرسی‌های کامل، ایجاد می‌کنند، زیرا بررسی‌ها مستلزم روش‌های حسابرسی یکسانی نیستند. البته، استفاده کنندگان صورت‌های مالی، در خصوص تمایز بین این شکل‌های مختلف حسابرسی، دارای مشکلاتی هستند و این روش‌های مختلف بررسی و حسابرسی را مشابه هم

1. Das et al
2. Jeter & Shivakumar
3. Comprix et al
4. Elliott & Shaw
5. Givoly & Ronen
6. Gay et al

در نظر می‌گیرند (پانی و اسمیت^۱، ۱۹۸۲). بنابراین، ممکن است سرمایه‌گذاران به منظور اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی شده را معتبرتر در نظر بگیرند و ممکن است اهمیت بیشتری را برای آنها قائل باشند. شرکت‌هایی که صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی شده را منتشر می‌نمایند، ممکن است سرمایه‌گذاران بر روی اطلاعات مربوط به گزارش سالیانه‌ی حسابرسی، دقت و تمرکز بیشتری نمایند. با توجه به ارزش تضمین و ارزش علامت‌دهی مربوط به بررسی صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی شده، انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاران به منظور اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود، بر صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی شده، نسبت به صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای حسابرسی نشده، اطمینان و تکیه‌ی بیشتری دارند. بنابراین انتظار می‌رود که سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده، محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده دارد.

معمولاً محققان در پژوهش‌های مختلف برای گزارشگری مالی میان دوره‌ای و محتوای اطلاعاتی، از معیارهای متفاوتی استفاده کرده‌اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان، آیا بررسی‌هایی که توسط حسابرسان مستقل انجام می‌شود، محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی موقت را بهبود می‌بخشد، به این موضوع پرداخته‌اند که، سرمایه‌گذاران به بررسی صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای، توجه دارند. نتایج حاکی از آن است که افزایش محتوای اطلاعاتی تا حد زیادی تحت تاثیر پدیده علامت دهی در بازار است که این پدیده شدیداً تحت تاثیر بررسی اطلاعات مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده، می‌باشد.

انگوتن و همکاران^۲ (۲۰۱۳) به بررسی گزارشگری مالی میان دوره‌ای در منطقه‌ی آسیا و اقیانوس آرام پرداختند. یافته‌های نشان داد که تنوع قابل ملاحظه‌ای در فرم‌های اجرای نظارت، تاخیر گزارش، الزامات حسابرسی و فرم‌های گزارش‌گیری وجود دارد. کامپانزه^۳ (۲۰۱۲) به بررسی گزارشگری مالی میان دوره‌ای در کشور مالایو پرداخت. نتایج نشان داد که بانک‌های مالایو در افشای گزارش‌های مالی میان دوره‌ای خود آزادی کامل دارند و به دولت اجازه دخالت در این کار را نمی‌دهند.

پهلوان شریف و رنجبر^۴ (۲۰۰۸) در شرکت‌های مالزیایی به بررسی عوامل موثر بر گزارشگری میان دوره‌ای به موقع در شرکت‌های مالزیایی پرداختند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های شرکت و رشد شرکت با افشای به موقع صورت‌های مالی میان دوره‌ای رابطه مستقیم داشت.

باتلر^۵ (۲۰۰۷) به بررسی تاثیر دفعات گزارشگری بر به موقع بودن سود پرداخت. بررسی آن‌ها

1. Pany & Smith

2. Nguyen et al

3. Kampanje

4. Pahlevan sharif & Ranjbar

5. Butler

در برگیرنده‌ی گزارشگری‌های میان دوره‌ای اجباری و اختیاری بود. نتایج این پژوهش نشان داد که مجبور ساختن شرکت‌ها به گزارشگری در بازه‌ی زمانی کوتاه تر موجب افزایش به موقع بودن درآمدها نمی‌گردد.

کو اسمایل و چاندلر^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی تحت عنوان به موقع بودن گزارش‌های مالی دوره‌ای، به بررسی عوامل موثر بر بهنگام بودن گزارش‌های سه ماهه‌ی مالی منتشر شده توسط شرکت‌های فهرست شده در بورس اوراق بهادار کوالا لامپور پرداختند. نتایج نشان داد که ارتباط معناداری بین بهنگام بودن اطلاعات و هر یک از چهار ویژگی شرکت از قبیل اندازه، سود آوری، رشد و ساختار سرمایه وجود دارد.

در ادامه به مرور پژوهش‌های انجام شده در ایران و معیارهای مورد استفاده در این پژوهش‌ها پرداخته شده است.

سپاسی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه میان اظهار نظر حساب‌رسان با زمان‌بندی افشاء صورت‌های مالی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان دهنده این موضوع می‌باشد که در صورت بهبود در نوع اظهار نظر حساب‌رسان شرکت‌ها زود تر صورت‌های مالی حسابرسی شده خود را افشاء می‌نمایند. به عبارت دیگر، ماهیت اظهار نظر حساب‌رسان و همچنین تغییر در نوع اظهار نظر حساب‌رسان بر روی به موقع بودن سود اثر گذار است.

برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تاثیر محافظه کاری بر گزارشگری به موقع اطلاعات مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر این موضوع است که محافظه کاری بر انتشار به موقع عملکرد صورت‌های مالی تاثیر دارد، ولی بر انتشار به موقع صورت‌های مالی میان دوره‌ای و تشکیل به موقع مجمع عمومی عادی سالانه تاثیر ندارد.

بنی‌مهد و توتچی (۱۳۹۲) به بررسی عوامل تعیین کننده در آرایه به موقع صورت‌های مالی میان دوره‌ای پرداخته‌اند. نتایج کلی تحقیق حاکی از این است که به موقع بودن صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده با نوع حساب‌رسان و گزارش مقبول حسابرسی رابطه دارد.

حاجیه‌ها و احمدی (۱۳۹۲) به بررسی آرائه‌ی به موقع صورت‌های مالی میان دوره‌ای پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌هایی که دارای عملکرد مالی و عملکرد اقتصادی بهتری هستند صورت‌های مالی میان دوره‌ای خود را زودتر و با تاخیر کمتری به سازمان بورس اوراق بهادار تهران ارائه می‌کنند و همچنین در مقایسه بین شاخص‌های مالی و شاخص‌های اقتصادی، شاخص‌های عملکرد مالی شرکت تاثیر بیشتری بر آرائه‌ی به موقع صورت‌های مالی میان دوره‌ای می‌گذارد.

عالمی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به مقایسه ارزش اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای و سالانه در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که صورت‌های مالی میان دوره نقش مهم تری در اطلاع دهنده‌ی بازده سهام نسبت به صورت‌های مالی سالانه

1. Ku Ismail and Chandler

دارند.

پیری (۱۳۸۹) به بررسی عوامل موثر بر گزارشگری میان دوره‌ای به موقع در ۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره‌ی زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۷ پرداخت. در این بررسی چنین استنباط گردید که سرعت گزارشگری مالی میان دوره‌ای تابعی نزولی از سودآوری شرکت بوده و بین اندازه‌ی شرکت و سرعت گزارشگری مالی میان دوره‌ای ارتباط مثبت معنی داری وجود دارد.

عرب مازار یزدی و جمالیان‌پور (۱۳۸۹) به مقایسه‌ی محتوای اطلاعاتی و سودمندی صورت سود و زیان میان دوره‌ی ۳، ۶ و ۹ ماهه در ۳۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر سه صورت مورد مطالعه دارای محتوای اطلاعاتی مطلوبی بودند و می‌توان با استفاده از اطلاعات مندرج در آن‌ها برای پیش‌بینی استفاده نمود و محتوای اطلاعاتی این صورت‌ها برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی، در بالاترین سطح پیش‌بینی کنندگی و برای پیش‌بینی نرخ بازده سهام در پایین‌ترین سطح قرار دارند.

خالقی مقدم و داور پناه (۱۳۸۵) به بررسی آثار رعایت استاندارد حسابداری شماره ۲۲ (تهیه صورت‌های مالی میاندوره‌ای) بر تصمیم‌های استفاده کنندگان در مقایسه با گزارش‌های میاندوره‌ای پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین تصمیم‌های اتخاذ شده مبتنی بر صورت‌های مالی میاندوره‌ای طبق الزامات استاندارد حسابداری شماره ۲۲ و گزارش‌های میاندوره‌ای طبق الزامات سابق بورس مربوط به همان واحد تجاری، تفاوت معنی داری از نظر آزمون‌های آماری انجام شده وجود ندارد.

اعتمادی و یارمحمدی (۱۳۸۲) به بررسی عوامل موثر بر گزارشگری میان دوره‌ای به موقع در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. با بررسی‌های انجام شده، نتایج حاکی از آن است که اندازه‌ی شرکت‌ها، سودآوری شرکت‌ها، پیچیدگی عملکرد شرکت‌ها از نظر نوع محصول، عمر شرکت در بورس اوراق بهادار تهران، ترکیب مالکیت شرکت‌ها و وجود یا عدم وجود سیستم حسابداری بهای تمام شده مطلوب تاثیری بر سرعت گزارشگری میان دوره‌ای شرکت‌ها نداشته است. ولی میزان معاملات سهام شرکت‌ها در دوره‌های میانی بر سرعت گزارشگری میان دوره‌ای آن‌ها تاثیر مثبت داشته است؛ یعنی هرچه میزان معاملات در یک دوره بیشتر باشد گزارش‌های آن دوره سریع‌تر در بازار منتشر شده است.

بازنگری پیشینه پژوهش نشان می‌دهد علیرغم پژوهش‌های انجام شده در سایر کشورها، تاکنون پژوهشی به بررسی محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده نسبت به صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده شرکت‌ها در ایران نپرداخته است. همچنین هیچ‌کدام از پژوهش‌های داخلی تاکنون بررسی میاندوره‌ای صورت‌های مالی را محاسبه ننموده‌اند. در مطالعه حاضر این متغیر با استفاده از تابع هزینه منفعت مورد بررسی قرار گرفته است. به عبارتی این تابع نشان می‌دهد که افشای صورت‌های مالی به لحاظ مالی بنفع شرکت است یا خیر. از دیگر تمایزهای مطالعه حاضر با دیگر پژوهش‌های داخلی، نحوه سنجش و اندازه‌گیری

محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای است که تاکنون مورد بررسی محققین داخلی قرار نگرفته است. لذا هم از جهت کاربردی و همچنین از جهت مشکلات اندازه‌گیری اطلاعات غیر مالی و نبود منبع یا مرجعی برای سنجش بررسی میان دوره‌ای صورت‌های مالی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، تبیین ارتباط این متغیرها در بازار سرمایه می‌تواند مفید باشد. همچنین انتظار می‌رود که این پژوهش علاوه بر غنا بخشیدن به ادبیات صورت‌های مالی میان دوره‌ای، بتواند برای تحلیل گران، مدیران و سیاست گذاران امور شرکتی مفید باشد، تا با تدوین سیاست‌های مناسب در حوزه‌ی تصمیمات مالی و افشای هر چه بیشتر اطلاعات میان دوره‌ای در گزارش‌های مالی، اطلاعات شفاف تری را در اختیار ذینفعان قرار دهند که در نهایت باعث افشای به موقع گزارش‌های مالی شرکت‌ها خواهد شد. در ادامه فرضیه پژوهش و الگوی اندازه‌گیری آن بیان می‌گردد.

□ ۳- روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود. جهت جمع‌آوری مبانی نظری موضوع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین به منظور گردآوری داده‌های پژوهش از وب سایت کدال استفاده شده است. در این مطالعه از روش داده‌های تابلویی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. تلفیق آمارهای سری زمانی با آمارهای مقطعی نه تنها می‌تواند اطلاعات سودمندی برای تخمین الگوهای اقتصادسنجی فراهم آورد بلکه بر مبنای نتایج به دست آمده می‌تواند استنباط‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در خور توجهی به عمل آورد (گجراتی، ۱۳۷۸). اهمیت الگوهای تابلویی با داده‌های تابلویی به الگوهای با داده‌های مقطعی محض این است که در این الگوها محقق می‌تواند انعطاف پذیری در تبیین رفتار فردی پدیده‌ها در طول زمان داشته باشد. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های استفاده از داده‌های تابلویی، کنترل نمودن خواص ناهمگن و در نظر گرفتن تک تک افراد، شرکت‌ها می‌باشد در حالی که مطالعات مقطعی و سری زمانی این ناهمگنی را کنترل نکرده و با تخمین الگو بدین روش‌ها بیم اریب در نتایج می‌رود. بر این اساس از رگرسیون چندمتغیره جهت برازش مدل‌های پژوهش و آزمون لیمر به منظور تشخیص داده‌های تابلویی استفاده شده است که اگر احتمال این آزمون زیر ۵٪ باشد، روش داده‌های تابلویی تایید می‌شود و آزمون دوم آزمون هاسمن است به منظور تشخیص اثرات ثابت از اثرات تصادفی که اگر احتمال زیر ۵٪ باشد روش اثرات ثابت و اگر بالای ۵٪ باشد روش اثرات تصادفی انتخاب می‌شود (بالتاجی، ۱۹۹۵). همچنین از نرم‌افزار ره‌آورد نوین برای گردآوری داده‌ها استفاده شده و برای برآورد الگو یا مدلی پژوهشی از روش داده‌های تابلویی استفاده شده و نرم افزار مورد استفاده

در این پژوهش ایویوز Eviews می‌باشد.

۳-۱- فرضیه و الگوهای پژوهش

فرضیه: سود گزارش شده صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده، محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود گزارش شده صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده دارد. با توجه به هدف پژوهش که بررسی محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده می‌باشد و نظر به اینکه محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای با استفاده از نوسانات غیرعادی (غیرطبیعی) بازده سهام، حجم غیرعادی (غیرطبیعی) معاملات، اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت سود سنجیده می‌شود، پس بنابراین ضریب متغیر β_7 در رابطه‌های (۱)، (۲) و (۳) و ضریب متغیر β_2 در رابطه (۴) و رابطه (۵) جهت تصمیم‌گیری در خصوص فرضیه پژوهش، تفسیر می‌گردد. انتظار می‌رود این ضرایب معنی‌دار باشد. به عبارتی چنانچه متغیر بررسی محتوای اطلاعاتی در تمام مدل‌های پژوهش معنادار باشد، مبنی بر تایید برتری محتوای اطلاعاتی سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده نسبت به سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده می‌باشد و فرضیه پژوهشی تایید می‌شود. مدل‌های تخمین فرضیه پژوهش به پیروی از پژوهش کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶) به شرح زیر می‌باشد.

رابطه (۱)

$$AVAR_{it} = \alpha + \beta_1 Review_{it} + \beta_2 \log(MarketCap)_{it} + \beta_3 Reportinglag_{it} + \beta_4 Leverage_{it} + \beta_5 Loss_{it} + \beta_6 |Unexptected earnings|_{it} + \beta_7 Review * |Unexptected earnings|_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۲)

$$AVOL_{it} = \alpha + \beta_1 Review_{it} + \beta_2 \log(MarketCap)_{it} + \beta_3 Reportinglag_{it} + \beta_4 Leverage_{it} + \beta_5 Loss_{it} + \beta_6 |Unexptected earnings|_{it} + \beta_7 Review * |Unexptected earnings|_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۳)

$$DA_{it} = \alpha + \beta_1 Review_{it} + \beta_2 ROA_{it-1} + \beta_3 OperatingCF_{it} + \beta_4 TA_{it-1} + \beta_5 \log(Totalassets)_{it} + \beta_6 Long_termdebt_{it} + \beta_7 Review * OperatingCF_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۴)

$$R_{it} = \alpha + \beta_1 Earnings_{it} + \beta_2 Review_{it} * Earnings_{it} + \beta_3 Review_{it} + \beta_4 Loss_{it} + \varepsilon_{it}$$

رابطه (۵)

$$R_{it} = \alpha + \beta_1 \Delta Earnings_{it} + \beta_2 Review_{it} * \Delta Earnings_{it} + \beta_3 Review_{it} + \beta_4 Loss_{it} + \varepsilon_{it}$$

۳-۲- متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش به سه دسته زیر تقسیم می‌شوند.

متغیر وابسته

محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای (Information Content of Interim

Financial Statements): متغیر وابسته این پژوهش، محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی

میان دوره‌ای می‌باشد. این متغیر به پیروی از پژوهش کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از

نوسانات غیرعادی (غیرطبیعی) بازده سهام، حجم غیرعادی (غیرطبیعی) معاملات، اقلام تعهدی

اختیاری و کیفیت سود سنجیده می‌شود. نحوه سنجش این چهار متغیر به شرح زیر می‌باشد.

۱- نوسانات بازده غیر عادی سهام (AVAR): نوسانات بازده غیر عادی سهام که از نسبت

میانگین مربعات نوسانات بازده غیر عادی سهام به واریانس نسبت میانگین مربعات نوسانات بازده

غیر عادی سهام با استفاده از رابطه (۶) بدست می‌آید.

رابطه (۶)

$$AVAR_{it} = \frac{U_{it}^2}{\sigma_{it}^2}$$

که در مدل فوق:

U^2 : نسبت میانگین مربعات نوسانات بازده غیر عادی سهام، که بر اساس باقی مانده رابطه

(۷) بدست می‌آید و به توان دوم می‌رسد:

رابطه (۷)

$$U_{it} = R_{it} - (\alpha + \beta_i R_{mt})$$

که در این رابطه:

R_{it} : بازده سهام شرکت i در دوره t .

R_{mt} : بازده پرتفوی بازار.

α and β_i : برآورد پارامترها محاسبه در طول دوره برآورد نسبت به تاریخ انتشار صورت‌های

مالی میاندوره‌ای.

σ^2 : واریانس نسبت میانگین مربعات نوسانات بازده غیرعادی سهام.

۲- حجم غیر عادی معاملات (AVOL): حجم غیرعادی معاملات که از نسبت حجم غیرعادی

معاملات بر کل معاملات شرکت بدست می‌آید. این نسبت با استفاده از رابطه (۸) بدست می‌آید.

رابطه (۸)

$$AVOL_{it} = \frac{V_{it}}{VT_{it}}$$

که در مدل فوق:

V : حجم معاملات غیر عادی شرکت i در دوره t

VT: حجم کل معاملات شرکت i در دوره t

۳- اقلام تعهدی اختیاری (Discretionary Accruals): اقلام تعهدی اختیاری نشان دهنده میزان اختیار عمل مدیران در انتخاب‌های اختیاری است. این متغیر با استفاده از رابطه رابطه (۹) بدست می‌آید.

رابطه (۹)

$$TA_{it} = \alpha + \beta_1 \left(\frac{1}{AvgTotalassets_{it}} \right) + \beta_2 (\Delta Sales_{it} - \Delta Receivables_{it}) + \beta_3 PPE_{it} + \beta_4 Earnings_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل فوق:

TA: جمع اقلام تعهدی

AvgTotal assets: میانگین جمع دارایی‌ها

$\Delta Sales$: تغییرات فروش

$\Delta Receivables$: تغییرات حساب‌های دریافتی

PPE: ارزش اموال دارایی و تجهیزات

Earnings: سود خالص

ε : باقی مانده مدل

۴- کیفیت سود: کیفیت سود، حاکی از تداوم پذیری و استمرار سود طی سالیان متفاوت برای شرکت است. این متغیر با استفاده از رابطه (۱۰) بدست می‌آید.

رابطه (۱۰)

$$R_{it} = \alpha + \beta_1 Earnings_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل فوق:

R: بازده سهام

Earnings: سود خالص

ε : باقی مانده مدل

متغیر مستقل

بررسی میان‌دوره‌ای (Review): متغیر مستقل این پژوهش بررسی میان‌دوره‌ای صورت‌های مالی می‌باشد. کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶) بررسی تصمیم‌ها به صورت میان دوره‌ای را تابعی از هزینه منفعت می‌داند. باقی مانده این تابع نشان دهنده بررسی صرفه اقتصادی میان‌دوره‌ای صورت‌های مالی می‌باشد. این تابع به شرح رابطه (۱۱) با توجه به دوگانه بودن متغیر وابسته، به پیروی از پژوهش کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶) اقدام به سنجش بررسی صورت‌های مالی

میان‌دوره‌ای با رویکرد رگرسیون لجستیک نموده است. خطای این مدل میزان بررسی‌های میان‌دوره‌ای صورت‌های مالی را مشخص می‌نماید.

رابطه (۱۱)

$$\begin{aligned} Review_{it} = & \alpha + \beta_1 \log(TotalAssets)_{it} + \beta_2 Sqr_Employees_{it} + \beta_3 Intangibles_{it} \\ & + \beta_4 Inventories_{it} + \beta_5 Receivables_{it} + \beta_6 Accruals_{it} + \beta_7 Long_termdebt_{it} \\ & + \beta_8 Currentratio_{it} + \beta_9 Returnon\ assets_{it} + \beta_{10} Loss_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

که در مدل فوق:

Review: متغیر مجازی بررسی صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای و نحوه سنجش آن بدین صورت است که چنانچه شرکت i در دوره‌های ۳،۶ و ۹ ماهه صورت‌های مالی حسابرسی شده خود را در سایت بورس اوراق بهادار به انتشار گذاشته باشند، عدد یک و برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی حسابرسی شده را منتشر ننموده اند، عدد صفر اختصاص داده شده است.

Log(TotalAssest): لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت i در دوره t

Sqr_Empoleeys: توان دوم مجذورات تعداد کارمندان شرکت i در دوره t

Intangibles: دارایی‌های نامشهود شرکت i در دوره t

Inventories: موجودی کالای شرکت i در دوره t

Recivables: حساب‌های دریافتنی شرکت i در دوره t

Accruls: جمع اقلام تعهدی شرکت i در دوره t

Long term debet: جمع بدهی‌های بلندمدت شرکت i در دوره t

Current ratio: نسبت جاری شرکت i در دوره t

Return on assets: بازده دارایی‌های شرکت i در دوره t

Loss: زیان دهی شرکت i در دوره t

ε : باقی مانده مدل که معرف بررسی میان‌دوره‌ای می‌باشد.

ضرورت بررسی صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای (**Review**) به این دلیل است که علی‌رغم الزام شرکت‌ها به ارائه صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده توسط ناشران در بورس، برخی شرکت‌ها اقدام به افشاء صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای ننموده و این اطلاعات در اختیار استفاده کنندگان قرار نگرفته است. در این زمینه می‌توان شرکت‌های پرمیت، تولیدی و صنعتی آبگینه، کیوان و کارخانجات کابل سازی تک را بر شمرد که در برخی از سال‌های پژوهش الزامات عنوان شده را رعایت ننموده‌اند.

متغیرهای کنترلی

بر اساس پژوهش کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶)، متغیرهای اثرگذار بر ارتباط بین بررسی صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای و محتوای اطلاعاتی به شرح زیر می‌باشند.

اندازه شرکت (**Log MarketCap**): اندازه شرکت که با استفاده از لگاریتم ارزش بازار سهام

شرکت طی دوره زمانی پژوهش بدست می‌آید. گزارشگری مالی (Reporting): متغیر مجازی گزارشگری مالی و برای شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آنها طی دوره زمانی به صورت میان دوره منتشر و توسط حسابرس، حسابرسی شده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود. اهرم مالی (Leverage): اهرم مالی که از نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها بدست می‌آید.

زیان‌دهی (Loss): متغیر مجازی زیان ده بودن و برای شرکت‌هایی که زیان گزارش می‌کنند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود. سود مورد انتظار (Unexpcted earnings): سود مورد انتظار که از قدر مطلق سود پیش‌بینی شده برای هر سهم طی دوره زمانی پژوهش بدست می‌آید.

۳-۳- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. برای اینکه نمونه پژوهش نماینده مناسبی از جامعه آماری مورد نظر باشد، باید به بهترین روش نمونه مورد نظر از جامعه اخذ گردد. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش غربال‌گری (حذفی) استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه معیارهای زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب می‌گردد.

- با توجه به اطلاعات مورد نیاز از سال ۱۳۸۴، شرکت‌هایی که حداکثر تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۳ در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و نام آن‌ها تا پایان سال ۱۳۹۴ از فهرست شرکت‌های یاد شده، حذف نشده باشد.

- در طول دوره مورد نظر، سهام آن‌ها به طور فعال در بورس معامله شده باشد، به عبارت دیگر نماد سهام شرکت بیش از سه ماه در سال بسته نباشد.

- به منظور افزایش قابلیت مقایسه شرکت‌های مورد بررسی، دوره مالی آنها باید منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد و در دوره مورد مطالعه تغییر دوره مالی نداشته باشند.

در نهایت با اعمال محدودیت‌های فوق‌الذکر، تعداد ۱۵۸ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

□ ۴- یافته‌های پژوهش

پس از آنکه روش پژوهش مشخص شد، در این قسمت داده‌های جمع‌آوری شده مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا با استفاده از نتایج آماری حاصل از آن، فرضیه‌های پژوهش آزمون شود. لذا در بند یافته‌های پژوهش، ابتدا آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش ارائه شده است، سپس به مفروضات رگرسیونی نظیر آزمون وایت و همچنین آزمون داده‌ها با

استفاده از آزمون F لیمر و هاسمن پرداخته شده است. در ادامه مدل اصلی مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱- آمار توصیفی

پس از جمع‌آوری داده‌ها و محاسبه متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، پارامترهای توصیفی هر متغیر به صورت مجزا محاسبه شده است. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر میانگین، میانه، کمینه و بیشینه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی همچون انحراف معیار است. با توجه به مطالب بیان شده در روش گردآوری اطلاعات و اجرای پژوهش، داده‌های این پژوهش از نوع ترکیبی می‌باشد. نگاره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی را برای ۱۵۸ شرکت عضو نمونه آماری در بورس برای دوره ۱۱ ساله نشان می‌دهد.

نگاره (۱): آمار توصیفی

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
نوسانات غیرعادی بازده سهام	-۱,۴۲	-۱,۴۳	۱,۰۸	-۵,۷۲	۰,۷۵
بررسی صورت‌های مالی میان دوره‌ای شرکت	۰,۹۹	۱	۱	۰	۰,۰۷
لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت	۵,۹۹	۵,۹۳	۸,۱۳	۴,۳۵	۰,۶۱
تاخیر در گزارشگر حسابرسی	۰,۹۲	۱	۱	۰	۰,۲۶
اهرم شرکت	۰,۶۴	۰,۶۳	۳,۰۶	۰,۰۶	۰,۲۷
زیان دهی شرکت	۰,۱۴	۰	۱	۰	۰,۳۴
قدر مطلق سود مورد انتظار شرکت	۰,۰۳۹	۰,۰۲	۱,۷۸	۰,۲۱	۰,۰۸
حجم غیرعادی معاملات دوره‌ای	۰,۱۷	۰,۱۰	۱,۲۶	۰,۰۰۰۷	۰,۱۷
اقلام تعهدی اختیاری شرکت	-۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۲	۰,۷۵	-۰,۴۴	۰,۱۲
بازده دارایی‌های شرکت	۰,۰۹	۰,۰۸	۱,۶۸	-۲,۴۴	۰,۱۶
وجوه نقد عملیاتی شرکت	۴۱۴۸۹۶	۶۸۶۱۶	۲۴۵۶۶۲۴۴	-۲۴۸۹۳۹۴	۱۸۰۶۴۱۶
لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت	-۰,۰۱	-۰,۰۱	۱,۵۳	-۰,۸۱	۰,۱۵
لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت	۵,۹۹	۵,۹۳	۸,۱۳	۴,۳۵	۰,۶۱
جمع بدهی‌های بلندمدت شرکت	۰,۰۸۴	۰,۰۴	۱,۳۷	۰	۰,۱۰
بازده سهام شرکت	۰,۵۲	۰,۱۶	۸,۵۹	-۰,۶۵	۱,۰۸
سود خالص شرکت	۰,۰۹	۰,۰۸	۱,۶۸	۴۴,۰	۰,۱۶
تغییرات سود خالص	-۰,۹۰	-۰,۹۱	۰,۶۸	-۳,۴۴	۰,۱۶

از بین شاخص‌های مرکزی بیان شده میانگین مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود که نشان‌دهنده

نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال میانگین نوسانات غیرعادی بازده سهام برابر با ۱,۴۲۱۷۴- می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. همچنین شاخص‌های پراکندگی به طور کلی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین شاخص‌های پراکندگی که شرط مطلوب برای وارد کردن متغیر به مدل رگرسیونی می‌باشد، انحراف معیار است. همان‌طور که در نگاره (۱) نیز قابل مشاهده است، انحراف معیار متغیرها صفر نبوده و حائز این شرط می‌باشند. در جامعه آماری مورد بررسی بیشترین و کمترین مقدار این پارامتر برابر با ۱۸۰۶۴۱۶ و ۰,۷۵۸۳۴۴ است که به ترتیب مربوط به متغیرهای وجوه نقد عملیاتی شرکت و نوسانات غیرعادی بازده سهام می‌باشد.

۴-۲- آمار استنباطی

برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌های بیان شده نیاز است قبل از پردازش آن‌ها و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود. یکی از فروض کلاسیک آماری همسانی واریانس باقی مانده‌ها است که از فرضیه‌های اساسی هر رابطه محسوب می‌شود. همچنین لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد تا مشخص گردد که داده‌ها به صورت تابلویی است یا تلفیقی و در صورتی که نوع داده‌ها تابلویی تشخیص داده شد، باید نوع اثرات آن مشخص گردد. برای بررسی فرض ناهمسانی واریانس در این پژوهش، از آزمون وایت استفاده شده که نتایج آن در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون مفروضات رگرسیونی

آزمون هاسمن		آزمون F لیمر		آزمون ناهمسانی واریانس		مدل
آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	
۲۵۷/۵۱	۰/۰۰۰۰	۳/۳۱	۰/۰۰۰۰	۱/۰۵	۰/۳۲۳۸	مدل اول
۲۱/۷۰	۰/۰۰۰۱	۲/۵۰	۰/۰۰۰۰	۲۰/۸۵	۰/۰۰۰۰	مدل دوم
۱۶/۴۱	۰/۰۳۶۹	۷/۳۸	۰/۰۰۰۰	۱/۷۳	۰/۰۰۳۸	مدل سوم
۱۵/۷۱	۰/۴۶۶	۷/۳۸	۰/۰۰۰۰	۱/۷۸	۰/۰۰۲۴	مدل چهارم
۲۵/۲۴	۰/۴۵۲	۶/۷۸	۰/۰۰۰۰	۱/۵۳	۰/۰۰۶۳	مدل پنجم

نتایج مندرج در نگاره (۲) نشان می‌دهد که آماره احتمال محاسبه شده در آزمون وایت برای مدل اول پژوهش از سطح خطای ۰/۰۵ بیشتر است که نشان از همسانی واریانس بوده و روش تخمین این مدل به صورت رگرسیون حداقل مربعات معمولی می‌باشد. همچنین آماره احتمال محاسبه شده برای دیگر مدل‌های پژوهش کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ بوده که در این مدل‌ها

ناهمسانی واریانس وجود داشته و روش تخمین به صورت رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته است. در ارتباط با نوع تخمین داده‌ها، نتایج آزمون F لیمر برای پنج مدل کمتر از سطح ۰/۰۵ می‌باشد، که بر مبنای این نتایج فرض صفر آزمون مینی بر تلفیقی بودن داده‌ها رد شده و داده‌ها به صورت تابلویی تخمین زده می‌شود. با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. همان طور که در نگاره (۲) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون هاسمن برای مدل‌های اول تا سوم پژوهش نشان می‌دهد که مقدار احتمال مربوط به این آماره‌ها از ۵ درصد کمتر است، بنابراین این مدل‌ها بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات ثابت تخمین زده می‌شود. ولی برای مدل‌های چهارم و پنجم پژوهش نشان می‌دهد که مقدار احتمال مربوط به این آماره‌ها از ۵ درصد بیشتر است، بنابراین این مدل‌ها بر روی متغیر مورد نظر بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی تخمین زده می‌شود. در ادامه با در نظر گرفتن نتایج پیش آزمون‌های آماری به تخمین مدل‌های اصلی پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در نگاره (۳ تا ۷) نشان داده شده است.

نگاره (۳): نتایج تخمین مدل اول پژوهش

نام متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۵/۴۳	۰/۵۷	۹/۴۶	۰/۰۰۰
بررسی میان‌دوره‌ای	۰/۳۷	۰/۲۰	۱/۸۴	۰/۰۴۵
لگاریتم ارزش بازار سهام	-۱/۱۱	۰/۰۸	-۱۲/۸۷	۰/۰۰۰
تاخیر گزارشگر حسابرسی	-۰/۲۳	۰/۰۶	-۳/۸۲	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۳۴	۰/۰۸	-۳/۸۹	۰/۰۰۰
زبان دهی	-۰/۳۰	۰/۰۵	-۵/۳۳	۰/۰۰۰
سود غیر منتظره	-۰/۸۶	۱/۴۰	-۰/۶۱	۰/۵۳۶
اثر تعاملی بررسی میان‌دوره‌ای و سود غیرمنتظره	-۰/۲۱	۱/۴۱	-۱/۸۴	۰/۰۰۰
اعتبار مدل	معنی‌داری آماره F : ۰/۰۰۰۰	آماره F : ۷/۷۷	آزمون دوربین واتسون : ۱/۶۳	ضریب تعیین : ۰/۵۷

نگاره (۴): نتایج مربوط به تخمین مدل دوم پژوهش

نام متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۰/۴۱	۰/۰۴	-۸/۹۰	۰/۰۰۰
بررسی میان دوره‌ای	۰/۰۵	۰/۰۲	۲/۳۶	۰/۰۱۸
لگاریتم ارزش بازار سهام	۰/۰۹	۰/۰۰	۱۰/۴۸	۰/۰۰۰
تاخیر گزارشگر حسابداری	-۰/۰۲	۰/۰۰	-۳/۷۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱	۰/۰۱	-۰/۹۰	۰/۳۶۵
زیان دهی	۰/۰۲	۰/۰۱	۲/۱۹	۰/۰۲۸
سود غیرمنتظره	-۰/۱۶	۰/۰۷	-۲/۰۴	۰/۰۴۱
اثر تعاملی بررسی میان دوره‌ای و سود غیرمنتظره	۰/۱۴	۰/۰۸	۱/۷۸	۰/۰۰۱
اعتبار مدل	معنی داری آماره F: ۰/۰۰۰۰	آماره F: ۱۱/۷۲	آزمون دوربین واتسون: ۲/۰۸	ضریب تعیین: ۰/۶۷

نگاره (۵): نتایج مربوط به تخمین مدل سوم پژوهش

نام متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۰/۰۶	۰/۰۹	-۰/۶۱	۰/۵۳۷
بررسی میان دوره‌ای	۰/۰۴	۰/۰۳	۱/۸۰	۰/۰۴۲
بازده دارایی‌ها	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۹۳۳
وجوه نقد عملیاتی	-۰/۰۰	۰/۰۰	-۱/۹۲	۰/۰۴۴
جمع دارایی‌ها	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۴۱	۰/۶۷۶
لگاریتم جمع دارایی‌ها	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۱۸	۰/۸۵۶
جمع بدهی‌های بلندمدت	-۰/۰۵	۰/۰۳	-۱/۴۰	۰/۱۶۰
اثر تعاملی بررسی میان دوره‌ای و وجوه نقد عملیاتی	۰/۰۰	۰/۰۰	۲/۰۶	۰/۰۳۹
اعتبار مدل	معنی داری آماره F: ۰/۰۰۰۰	آماره F: ۲/۴۶	آزمون دوربین واتسون: ۲/۱۳	ضریب تعیین: ۰/۳۰

نگاره (۶): نتایج مربوط به تخمین مدل چهارم پژوهش

نام متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۰/۴۷	۰/۴۲	۱/۱۰	۰/۲۷۰
سود خالص شرکت	-۱/۷۱	۵/۴۹	-۰/۳۱	۰/۷۵۵
اثر تعاملی بررسی میان‌دوره‌ای و سود خالص شرکت	-۲/۷۲	۵/۴۸	-۱/۸۹	۰/۰۱۸
بررسی میان‌دوره‌ای	-۰/۰۶	۰/۴۲	-۱/۷۴	۰/۰۸۴۹
زیاندهی	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۷۳	۰/۴۶۰
اعتبار مدل	معنی‌داری آماره F: ۰/۰۰۰۰	آماره F: ۵/۷۲	آزمون دوربین واتسون: ۲/۲۱	ضریب تعیین: ۰/۱۲

نگاره (۷): نتایج مربوط به تخمین مدل پنجم پژوهش

نام متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۱/۲۳	۵/۶۲	-۰/۲۲	۰/۸۲۵
تغییرات سود خالص شرکت	-۱/۷۱	۵/۴۹	-۰/۳۱	۰/۷۵۵
اثر تعاملی بررسی میان‌دوره‌ای و تغییرات سود خالص	۲/۷۲	۵/۴۸	۱/۸۹	۰/۰۱۹
بررسی میان‌دوره‌ای	۲/۶۶	۵/۶۲	۱/۸۷	۰/۰۳۵
زیاندهی	۰/۰۸۱	۰/۱۱	-۰/۷۳	۰/۴۶۰
اعتبار مدل	معنی‌داری آماره F: ۰/۰۰۰۰	آماره F: ۵/۷۲	آزمون دوربین واتسون: ۲/۲۱	ضریب تعیین: ۰/۲۲

با توجه به آماره F و سطح آماري به دست آمده که کمتر از ۵ درصد برای مدل‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که کل مدل‌ها معنی‌دار است. همچنین آماره دوربین-واتسون مدل‌های پژوهش نشان‌دهنده عدم وجود خطای خود همبستگی در مدل‌های پژوهش است.

۳-۴- نتیجه فرضیه

فرضیه پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده، محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود گزارش شده در

صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری نشده دارد یا خیر. برای بررسی فرضیه پژوهش هدف نبود رابطه معنی‌دار بین محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی و سود گزارش شده در صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به عنوان فرضیه صفر انتخاب و وجود آن (عکس فرضیه صفر) به عنوان فرضیه مقابل در نظر گرفته شد. همان طور که در نگاره (۳) مشاهده می‌شود، سطح معناداری محاسبه‌شده برای متغیر بررسی‌های میان دوره‌ای در مدل اول پژوهش برابر با (۰,۰۰۰۸)، در نگاره (۴) مدل دوم پژوهش برابر با (۰,۰۰۱۵)، در نگاره (۵) مدل سوم پژوهش برابر با (۰,۰۳۹۰)، در نگاره (۶) مدل چهارم پژوهش برابر با (۰,۰۱۹۱) و در نگاره (۷) مدل پنجم پژوهش برابر با (۰,۰۱۹۱) می‌باشد که در تمامی مدل‌های پژوهشی با اطمینان ۹۵٪، کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد. پس می‌توان گفت که سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری شده، محتوای اطلاعاتی بیشتری دارد. چرا که شواهد نشان دهنده معناداری بررسی میان دوره‌ای صورت‌های مالی و مکانیسم‌های محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای می‌باشد. به عبارتی در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری شده، بین بررسی میان دوره‌ای صورت‌های مالی نظیر اثر تعاملی بررسی میان دوره‌ای و قدرمطلق سود غیر منتظره شرکت، اثر تعاملی بررسی میان دوره‌ای و وجوه نقد عملیاتی، اثر تعاملی بررسی میان دوره‌ای و سود خالص شرکت و اثر تعاملی بررسی میان دوره‌ای و تغییرات سود خالص با محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای نظیر نوسانات غیرعادی بازده سهام، حجم غیرعادی معاملات سهام، اقلام تعهدی اختیاری، سود خالص صورت‌های مالی و تغییرات سود خالص صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین نتایج حاکی از آن است که سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری شده، محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری نشده دارد. در پژوهش‌های کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶)، بدراد و کورتا (۲۰۱۵)، انگوئن و همکاران (۲۰۱۳)، کامپانژه (۲۰۱۲)، پهلوان شریف و رنجبر (۲۰۰۸)، باتلر (۲۰۰۷)، کو اسمایل و چاندلر (۲۰۰۳) و عرب مازار یزدی و جمالیان‌پور (۱۳۸۹) نتایج نشان داد که صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری شده محتوای اطلاعاتی بیشتری نسبت به صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری نشده دارد. در نتیجه آزمون فرضیه پژوهش با پژوهش‌های کاجوتر و همکاران (۲۰۱۶)، بدراد و کورتا (۲۰۱۵)، انگوئن و همکاران (۲۰۱۳)، کامپانژه (۲۰۱۲)، پهلوان شریف و رنجبر (۲۰۰۸)، باتلر (۲۰۰۷)، کو اسمایل و چاندلر (۲۰۰۳) و عرب مازار یزدی و جمالیان‌پور (۱۳۸۹) همخوانی و مطابقت دارد.

۵- نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل این موضوع بود که آیا صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری شده، در مقایسه با صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابداری نشده، به محتوای اطلاعاتی بیشتری برای سرمایه‌گذاران منجر می‌گردد. این مطالعه، نوسانات غیر عادی بازده سهام و حجم

غیر عادی معاملات بیشتری را در حالت انتشار گزارش‌های میاندوره‌ای حسابرسی شده نشان می‌دهد. البته، هنگامی که صورت‌های مالی سه‌ماهه‌ی چهارم را که برای هر شرکتی، حسابرسی می‌شوند، در نظر گرفته شود، اختلاف‌های مالی از بین می‌روند. علاوه بر این، مطالعه حاضر به افزایش در نوسانات غیرعادی بازده سهام برای شرکت‌هایی که برای نخستین بار صورت‌های مالی میاندوره‌ای خود را حسابرسی می‌نمایند، در مقایسه با شرکت‌هایی که استراتژی بررسی خود را تغییر نمی‌دهند، پی برده می‌شود. در مجموع، این مطالعه شواهدی را دال بر تأیید بررسی صورت‌های مالی میاندوره‌ای حسابرسی شده، توسط حساب‌رسان مستقل و افزایش محتوای اطلاعاتی مربوط به سود را ارائه می‌نماید. این افزایش، تا حد زیادی ناشی از ارزش علامت‌دهی صورت‌های مالی میاندوره‌ای حسابرسی شده به بازار توسط سازمان بورس اوراق بهادار و یا از طریق کدال می‌باشد. زیرا هیچ بهبودی در کیفیت سود شرکت‌هایی که صورت‌های مالی میاندوره‌ای حسابرسی نشده داشته‌اند، یافت نشد. البته ممکن است معیارهای بیان شده در خصوص محتوای اطلاعاتی و کیفیت سود، تحت تاثیر سنجش‌های متفاوت قرار گیرند. این بدان معناست که، تفاوت‌های بین روش اجرای این پژوهش در گروه کنترل، برای سودهای سه‌ماهه‌ی چهارم حسابرسی شده، از بین می‌رود و این امر، اطمینان نتایج این مطالعه در خصوص اینکه، در واقعیت، بررسی به این نتیجه منجر می‌شود را تقویت می‌کند و اینکه بررسی تنها بخشی از یک استراتژی شفاف‌سازی کلی با چندین کانال و روش که حساب‌ها و اندازه‌گیری‌های این مطالعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، نیست. در غیر این صورت، باید تفاوت‌ها برای اطلاعات مالی سالیانه، حفظ شوند. به طور خلاصه، این مطالعه، بینش و فهم مربوط به عوامل و عواقب ناشی از بررسی صورت‌های مالی میاندوره‌ای را ایجاد می‌کند. شواهد پژوهش حاضر یک اساس اقتصادی برای تصمیم داوطلبانه بررسی میاندوره‌ای صورت‌های مالی ایجاد می‌نماید. بنابراین، ممکن است بررسی‌های اجباری برخی از شرکت‌ها را مجبور به از دست دادن تعادل و آرامش نمایند و در نتیجه، بر روی اینگونه شرکت‌ها، تاثیرات منفی بگذارند. علاوه بر این، بررسی‌های اجباری می‌توانند این فرصت شرکت‌ها را برای استفاده از بررسی به عنوان یک علامت مبنی بر داشتن کیفیت بالا، از بین ببرد. بنابراین، ممکن است نتایج این مطالعه برای حساب‌رسان و همچنین برای تغییرات منطقی قانون‌گذاران در بورس در زمینه‌ی الزامات بررسی صورت‌های مالی میاندوره‌ای، مفید باشند.

۵-۱- محدودیت‌های پژوهش

محدودیت عمده مطالعه حاضر برآورد متغیر بررسی میاندوره‌ای بود. با توجه به اینکه معیار واحدی برای سنجش این متغیر وجود نداشت و برخی شرکت‌ها اقدام به افشای این نوع از گزارش‌گری نمی‌نمایند، از مدل هزینه منفعت جهت اندازه‌گیری این متغیر استفاده شد. قطعاً استفاده از هر معیار دیگری نتایج پژوهش را متمایز می‌سازد.

۵-۲- پیشنهادهای کاربردی

با توجه به اهمیت موضوع و وجود محتوای اطلاعاتی در صورت‌های مالی میان دوره‌ای، به نظر می‌رسد که بازیگران عرصه بازار مالی، به ویژه سرمایه‌گذاران باید توجه ویژه‌ای به آن‌ها داشته باشند. بعلاوه، مسئولان بازار با توجه به وجود محتوای اطلاعاتی افزایش یافته در اقلام این صورت‌های مالی باید بیش از پیش در جهت افزایش کیفیت اطلاعاتی این صورت‌ها گام بردارند تا بدین وسیله برخی از عدم تقارن اطلاعاتی‌های موجود کاهش یابد. پس سرمایه‌گذاران باید محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی را به عنوان یکی از معیارهای اثرگذار در انتخاب پرتفوی سرمایه‌گذاری انتخاب و جهت ارزیابی محتوای اطلاعاتی از سود خالص استفاده نمایند و از مقایسه سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی شده نسبت به سود گزارش شده در صورت‌های مالی میان دوره‌ای حسابرسی نشده جهت تشخیص شرکتی که بالاترین محتوای اطلاعاتی را ارائه می‌نمایند، استفاده نمایند. همچنین اعتباردهندگان و موسسات مالی و بانک‌ها، سعی کنند چنانچه شرکت‌های متقاضی اعتبار و وام، اطلاعات مالی خود را به صورت شفاف در اختیار استفاده‌کنندگان برون سازمانی قرار می‌دهند و از محتوای اطلاعاتی بالایی برخوردار باشند، تسهیلات در اختیار آن‌ها قرار دهند.

در بررسی صورت‌های مالی میاندوره‌ای (Review) مشاهده شد که برخی شرکت‌ها از ارسال گزارش مربوطه به سازمان بورس خودداری نموده و یا گاهی اخباری وجود داشته است مبنی بر اینکه شرکت، اقدام به تهیه گزارش مورد نظر نموده‌اند. اما به بازار ارائه نداده‌اند که وجود چنین مواردی به هیچ وجه برای رسیدن به سطح مطلوب از کارایی مناسب نیست. بنابراین می‌بایست مسئولان ذیربط جدیدت بیشتری در این زمینه به خرج داده و در صورت لزوم، قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای افزایش سطح کارایی بازار تدوین و تصویب گردد. همچنین در این بررسی مشاهده شد که در بسیاری از موارد بین تاریخ تهیه گزارش توسط شرکت و تاریخ اعلان سود، فاصله زمانی چند روزه وجود دارد که این امر می‌تواند دسترسی عده‌ای به اطلاعات محرمانه، قبل از گزارش رسمی آن را موجب شود و تضعیف کارایی بازار سهام را نتیجه دهد. بنابراین مسئولان بورس و نیز شرکت‌های عضو آن می‌بایست با جدیدت بیشتری به این مهم توجه نمایند و بدین وسیله از سودجویی عده‌ای خاص در بازار جلوگیری نموده و اطلاعات به‌طور عادلانه‌ای در دسترس افراد قرار گیرد.

۵-۳- پیشنهادهای آتی

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تاثیر رتبه شفافیت بر محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شود. همچنین بررسی تاخیر در ارائه گزارشگری صورت‌های مالی میان دوره‌ای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود. انجام موضوع پژوهش برای سایر صورت‌های مالی میان دوره‌ای؛ استفاده از سایر تکنیک‌های پیش‌بینی و مقایسه توان پیش‌بینی‌کنندگی؛ استفاده از

شاخص‌های دیگری به عنوان اهداف استفاده‌کنندگان و بررسی محتوای اطلاعاتی بر مبنای آن‌ها و مقایسه مقطعی توان پیش‌بینی‌کنندگی برای صورت‌های میان‌دوره‌ای پیشنهاد می‌شود. در خصوص گزارش‌های میان‌دوره‌ای، از آنجا که نمی‌توان سود یا زیان گزارش شده در این صورت‌ها را نشانه‌ای بر وضعیت سودآوری فصلی واحد تجاری دانست، پیشنهاد می‌شود تحقیقاتی نیز پیرامون درصد پوشش سود پیش‌بینی شده در دوره‌های میانی و رفتار بازار در قبال این گزارش‌ها بر اساس میزان پوشش سود انجام شود.

□ فهرست منابع

الف- منابع فارسی:

۱. اعتمادی، حسین، یار محمدی، اکرم. (۱۳۸۲). بررسی عوامل موثر بر گزارشگری میان دوره‌ای به موقع در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره دوم، دوره نوزدهم، صص ۹۹ - ۸۷.
۲. برادران حسن زاده، رسول، حسینی‌نسب، مهناز، علیمی، نیر. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر محافظه کاری بر گزارشگری به موقع اطلاعات مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۰، سال ۳، صص ۵۱ - ۳۸.
۳. بنی‌مهد، بهمن، توتچی، مهتاب. (۱۳۹۲). عوامل تعیین کننده در ارایه به موقع صورت‌های مالی میان دوره‌ای، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۱۸، سال پنجم، صص ۱۷۳ - ۱۵۱.
۴. پیری، اصغر. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر گزارشگری میان دوره‌ای به موقع در شرکت‌های پذیرفته شده در بوری اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
۵. حاجیها، زهره، احمدی، مهدیه. (۱۳۹۲). ارائه به موقع صورت‌های مالی میان دوره‌ای «بررسی تاثیر عملکرد مالی و اقتصادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مالی، شماره ۲۰، سال پنجم، صص ۱۷۲ - ۱۴۹.
۶. خالقی مقدم، حمید. (۱۳۸۳). آثار رعایت استاندارد حسابداری شماره ۲۲ (تهیه صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای) بر تصمیمات استفاده‌کنندگان در مقایسه با گزارشات میان دوره‌ای طبق الزامات سابق بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۶، دوره ۲، صص ۲۶ - ۱.
۷. سپاسی، سحر، انواری رستمی، علی‌اصغر، مسعودی، علی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه میان اظهار نظر حسابرسان با زمان‌بندی افساء صورت‌های مالی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۹، صص ۷۹ - ۶۸.
۸. عالمی، محمد رضا، مرادزاده فرد، مهدی، بهزادپور، سمیرا. (۱۳۹۰). مقایسه ارزش اطلاعاتی صورت‌های مالی میان دوره و سالانه در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش اقتصاد کسب و کار، شماره اول، سال دوم، صص ۹۹ - ۸۹.
۹. عرب مازار یزدی، محمد، جمالیان پور، مظفر. (۱۳۸۹). زمستان، مقایسه محتوای اطلاعاتی و سودمندی صورت سود و زیان میان دوره‌ای ۳، ۶، ۹، ماهه بورس اوراق بهادار تهران، نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۴، دوره ۲، صص ۶۶ - ۴۵.
۱۰. گجراتی، دامودار. (۱۳۷۸). «مبانی اقتصاد سنجی»، ترجمه ابریشمی، حمید، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۱. مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۴). دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. مهدوی، غلامحسین، جمالیان پور، مظفر. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر سرعت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره چهارم.
۱۳. مهرانی، ساسان، کرمی، غلامرضا. (۱۳۹۳). کتاب تئوری حسابداری جلد اول، انتشارات نگاه دانش، صص ۱۵۳ - ۱۵۴.

۱۴. نوروش، ایرج، مشایخی، بیتا. (۱۳۸۳). محتوای فزاینده اطلاعاتی ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده نقدی در مقابل سود حسابداری و وجوه نقد حاصل از عملیات، شماره ۱۷، فلصنامه تحقیقات مالی، صص ۱۵۰ - ۱۳۱.
۱۵. نوروش، ایرج، مهرانی، ساسان، مهرانی، کاوه. (۱۳۸۵). کتاب حسابداری میانه ۱، انتشارات کتاب نو.
۱۶. هیأت تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۳). "استاندارد شماره ۲۲: گزارش‌گری مالی میان‌دوره‌ای"، تهران: سازمان حسابداری.
۱۷. هیأت تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۸). "استاندارد شماره ۲۴۱۰: بررسی اجمالی اطلاعات مالی میان دوره‌ای توسط حسابرس مستقل واحد تجاری"، تهران: سازمان حسابداری.

ب- منابع انگلیسی:

- Anderson, K. L., & Yohn, T. L. (2002). The effect of 10 K restatements on firm value, information asymmetries, and investors' reliance on earnings. Working Paper. Georgetown University.
- Bartov, E., Givoly, D., & Hayn, C. (2002). The rewards to meeting or beating earnings expectations. *Journal of Accounting and Economics*, 33(2), 173-204.
- Bédard, J., & Courteau, L. (2015). Benefits and costs of auditor's assurance: Evidence from the review of quarterly financial statements. *Contemporary Accounting Research*, 32(1), 308-335.
- Blackwell, D. W., Noland, T. R., & Winters, D. B. (1998). The value of auditor assurance: Evidence from loan pricing. *Journal of Accounting Research*, 36(1), 57-70.
- Blankley, A. L., Comprich, J., & Hong, K. P. (2013). Earnings management and the allocation of net periodic pension costs to interim periods. *Advances in Accounting*, 29(1), 27-35.
- Butler, Marty. (2007). The Effect of reporting frequency on the timeliness of earnings the cases of voluntary and mandatory Interim Reports. *Journal of Accounting and Economics*, volume 43, Issues 2.
- Baltagi, B.H. (1995). *Econometric Analysis of Panel Data*, New York: John Wiley & Sons Ltd.
- Chambers, A. E., & Penman, S. H. (1984). Timeliness of reporting and the stock price reaction to earnings announcements. *Journal of Accounting Research*, 22(1), 21-47.
- Comprich, J., Mills, L., & Schmidt, A. (2012). Bias in quarterly estimates of annual effective tax rates and earnings management. *Journal of the American Taxation Association*, 34(1), 31-53.
- Das, S., Shroff, P. K., & Zhang, H. (2009). Quarterly earnings patterns and earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 26(3), 797-831.
- Dye, R. A., & Sunder, S. (2001). Why not allow FASB and IASB standards to compete in the U.S.? *Accounting Horizons*, 15(3), 257-271.
- Elliott, J. A., & Shaw, W. H. (1988). Write-Offs as accounting procedures to manage perceptions. *Journal of Accounting Research*, 26, 91-119 Supplement.
- Ettredge, M. L., Simon, D. T., Smith, D. B., & Stone, M. S. (2000). The effect of the external accountant's review on the timing of adjustments to quarterly earnings. *Journal of Accounting Research*, 38(1), 195-207.
- Francis, J. R. (2011). A framework for understanding and researching audit quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(2), 125-152.
- Gay, G., Schelluch, P., & Baines, A. (1998). Perceptions of messages conveyed by review and audit reports. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 11(4), 472-494.
- Givoly, D., & Ronen, J. (1981). «Smoothing» manifestations in fourth quarter results of operations: Some empirical evidence. *Abacus*, 17(2), 174-193.
- Humphrey, C., Moizer, P., & Turley, S. (1992). The audit expectation gap—Plus ca change,



- plus c'Est la meme chose? Critical Perspectives on Accounting, 3(2), 137-161.
18. Ijiri, Yuji and Robert.K.Jaedicke(1966).»Reliability and objectivity of accounting measurements « , the accounting review.pp:474-490.
 19. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
 20. Jeter, D. C., & Shivakumar, L. (1999). Cross-sectional estimation of abnormal accruals using quarterly and annual data: Effectiveness in detecting event-specific earnings management. *Accounting and Business Research*, 19(5), 299-319.
 21. Knechel, R. W., Krishnan, G. V., Pevzner, M., Shefchik, L. B., & Velury, U. K. (2013). Audit quality: Insights from the academic literature. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(Suppl. 1), 385- 21.
 22. Ku Ismail, Ku Nor Izah & Roy Chandler, (2003), »The Timeliness of Quartely Financial Reporting of Companies in Malaysia, social science research network.
 23. Leftwich, R. W., Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1981). Voluntary corporate disclosure: The case of interim reporting. *Journal of Accounting Research*, 19, 50-88 Supplement.
 24. Manry, D., Tiras, S. L., & Wheatley, C. M. (2003). The influence of interim auditor reviews on the association of returns with earnings. *The Accounting Review*, 78(1), 251-274
 25. Matsumoto, D. A. (2002). Management's incentives to avoid negative earnings surprises. *The Accounting Review*, 77(3), 483-514.
 26. MC Gee, w. Robert & Yuan, Xiaoli. (2008). Corporate Governance and the Timeliness of Financial Reporting : An Empirical study of the people's republic of Chaina. *International journal of Business, Accounting and Financem.* volume 3 , number 1, 2009 , pages 19 – 27
 27. Mendenhall, R. R., & Nichols, W. D. (1988). Bad news and differential market reactions to announcements of earlier-quarters versus fourth-quarter earnings. *Journal of Accounting Research*, 26, 63-86 Supplement.
 28. Mergenthaler, R. D., Rajgopal, S., & Srinivasan, S. (2012). CEO and CFO career penalties to missing quarterly analysts forecasts. Working paper. University of Iowa, Emory University, Harvard Business School.
 29. Minnis, M. (2011). The value of financial statement verification in debt financing: Evidence from private U.S.firms. *Journal of Accounting Research*, 49(2), 457-506.
 30. Nguyen, Gallery and Artach Tracy. 2013, Interim financial Reporting in the Asia-Pacific region : a review of regulatory repuiements»corporat ownership and control 10(3), 380-388.
 31. Owusu – Ansah, Stephen, Timeliness of Corporate Financial Reporting in Emerging Capital Markets : Empirical Evidence from the Zimbabwe Exchang. *Accounting & Business Review* , volume 30, No 3, summer 2000
 32. P. Kajüter et al . (2016). Do Reviews by External Auditors Improve the Information Content of Interim Financial Statements. *The International Journal of Accounting*. No of pages 28.
 33. Pahlevan sharif, Saeed & Ranjbar Amir. 2008, »An examination of the factors affecting the timeliness of interim financial reporting : the case of Malaysian listed compnies, Terengganu.
 34. Pany, K., & Smith, C. H. (1982). Auditor association with quarterly financial information: An empirical test. *Journal of Accounting Research*, 20(2), 472-481.
 35. Phiri Kampanje Brian, (2012). »Interim Financial Reporting in Malawi» electronic copy available at : <http://ssrn.com/abstract=213720>.
 36. Schroeder, Richard G, Chark Myrtle . and Jack M. Cathey (2003), »financial accounting theory and analysis : text and cases». 9th Edition Johan wiley & Sons.
 37. Simunic, D.A. (1980). the pricing of audit services : theory and evidence . *Journal of accounting research*, 18(1), 161-190.
 38. Wattes, R., (2003), «Conservatism in accounting». *accounting horizons*, No, 17. 207-227.
 39. Watts, R. L., & Zimmerman, J. L. (1986). *Positive accounting theory*. Prentice-Hall.
 40. Wiedmann, C. I. (2007). Improving interim reporting. *Accounting Perspectives*, 6(3), 279-289.